



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران







221

*Corymbus*





تکمیل شد

[illegible][illegible][illegible]

از کف در چشم بکشد  
انداخود از افق غدا بکشد  
از میان شمشیر  
در چشم در چشم  
از کف در چشم بکشد  
انداخود از افق غدا بکشد  
از میان شمشیر  
در چشم در چشم

کجی بالا  
 مدینه  
 عک  
 زمره  
 خود و هم  
 شکر

دار قمار کف زاری  
تخم مرغ تخم بار  
تخم بابلک  
خارج کاؤنٹر فٹ

دارای  
تتم بابت  
چشم  
از زبون  
فازگار  
سنت لک  
الهم

Handwritten text in Persian script, likely a library stamp or title, partially obscured by a decorative floral emblem.



































باید بیست و پنج روز در خانه بماند و بعد از آن بیست و پنج روز در بیرون خانه

بسم الله الرحمن الرحيم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَهُ حَاجِبٌ - عَدَّةٌ رَجْمٌ - مِنْ أَسْمَاءِ رُؤَسَاءِ بِلَادِ مَنَاقِبِ - يَا فَيْدُو يَا مُنْقِصِينَ

امسبحتم خالقكم فاعبدوه اني انذركم رجوا ربكم اني اخذ عهودا منكم ان لا تعبدوا الا الله فاعبدوه فاعبدوا الله ما لم يشرك به شيئا

وَقَدْ سَمِعْتُ فِي عَرَبٍ قَدِيمٍ كَلَامَ مَنْ جَاءَهُ مَوْتُ مُضْطَرِعٌ مِنْ ضَعْفٍ وَفَقْرٍ







فصل فی بیان فضیلت علم و تقوی

چون دردی به جگر شعله ای غوره نهاده است - کتاب وقت منار - غلامحاند -

بیتین و صهرین و بن زاده خندان نشان و جیب ستون در مجرای سترانه در سلول و مدونه

اصفای خانلاریت جزو آثار شمرند و عینی و فنی این شیعه تجدید و فایده رسانند

در این شهر و امانت امور فرید که چون در این زمانه فتنه بسیار است و حال سیرت نیز به جهت

شیخ بنوری در باب خدیجه و اخوانی خدیجه اش را گفته است و در حدیثی گفته است و گفته است و گفته است

و با هم میزند بیون شیر خوردند با شیر پوشیدند و مقابل میزدند و با لاشه میشتند

مَدَنِيَّةٌ دَعَاكَ وَإِلَّا فَتَدْرِي لِمَ دَعَاكَ وَتَدْرِي لِمَ دَعَاكَ

[illegible]

بجواز این استخوان و خستگاه آن در میان سایر استخوانها و در نزدیکی قوس خستگاه

پایه نخست و سپس میقات را که در نزد قریه شریک است شود بخیر یاد و حد مذکور

مجلسی ایستادند و با خود شتران قرار داد و غنای فیهما را از آن



تم غنیمتین در این قدر باش  
باز در جوهر کبریا خیر کما بعد و خیر

در سنجیدار و بی حساب خیر  
در میان در حیدان او

بزرگمانند از در مسرار  
در دفع کجای ریاکاری

بجمع صحت کما بعد

بزرگمانند در مزارع

بهر یک کما بعد آن قدر  
شور و زاری نیست کما بعد

خدا را از تکرار دوم  
خیر کما بعد کما بعد

بهر یک کما بعد او  
بهر یک کما بعد او

در این جوهر کبریا خیر کما بعد و خیر  
و در سنجیدار و بی حساب خیر  
در میان در حیدان او  
بزرگمانند از در مسرار  
در دفع کجای ریاکاری  
بجمع صحت کما بعد  
بزرگمانند در مزارع  
بهر یک کما بعد آن قدر  
شور و زاری نیست کما بعد  
خدا را از تکرار دوم  
خیر کما بعد کما بعد  
بهر یک کما بعد او  
بهر یک کما بعد او

در این جوهر کبریا خیر کما بعد و خیر  
و در سنجیدار و بی حساب خیر  
در میان در حیدان او  
بزرگمانند از در مسرار  
در دفع کجای ریاکاری  
بجمع صحت کما بعد  
بزرگمانند در مزارع  
بهر یک کما بعد آن قدر  
شور و زاری نیست کما بعد  
خدا را از تکرار دوم  
خیر کما بعد کما بعد  
بهر یک کما بعد او  
بهر یک کما بعد او











است الا فذلك واما سلك الارحمة للعالمين يعني ان محمد ص ارتقا نوری من کائنات

نوریه یعنی منسوبه انرا بشرفی و یا رحمت عظیمه و نوریدیم در حق است پس آن

دعوت بترتیب آیات باشد بدو و مانند پیغمبر و ائمه تا ویدر هر یک تا اوج باشد

مورثه ای بوده زیرا که پیغمبر فرموده است که قلنا من صلاب القهری فی رحام الطاهره

و بنی را پیغمبر رخ را بشنوی بر آن بر مقامی پاک آمده و پیدا نمیداند و فرمودست عیسات ربیع

ویدر معانی است چندانست می فتنه دین پیغمبر است که به آیات

و در ساینده شرح مختصانه و بیسیه مافان است بهت و وجیب باشد نام حق و مقتدر

و در سید آیات ص او را مبین علی بن ابی طالب است زیرا که معلوم شد که او را مبین صوفی

و باران به معصوم باشد و هیچ است عتق شد که شیخ از دین سوزن است از جمعی که دعوی خلافت

نرسد معصوم و بنی و از این باقیات فانی و موقوت روز غدیر خم که پیغمبر رخ باز نشد

و در حق است که از دنیا از دنیا بود و در حق است که از دنیا از دنیا بود و در حق است که از دنیا از دنیا بود

و در حق است که از دنیا از دنیا بود و در حق است که از دنیا از دنیا بود و در حق است که از دنیا از دنیا بود

و در حق است که از دنیا از دنیا بود و در حق است که از دنیا از دنیا بود و در حق است که از دنیا از دنیا بود

و در حق است که از دنیا از دنیا بود و در حق است که از دنیا از دنیا بود و در حق است که از دنیا از دنیا بود

و در حق است که از دنیا از دنیا بود و در حق است که از دنیا از دنیا بود و در حق است که از دنیا از دنیا بود

و در حق است که از دنیا از دنیا بود و در حق است که از دنیا از دنیا بود و در حق است که از دنیا از دنیا بود

و در حق است که از دنیا از دنیا بود و در حق است که از دنیا از دنیا بود و در حق است که از دنیا از دنیا بود



۱. هر که از این شود انگلیزیم  
 ۲. هر که از این شود انگلیزیم  
 ۳. هر که از این شود انگلیزیم  
 ۴. هر که از این شود انگلیزیم  
 ۵. هر که از این شود انگلیزیم  
 ۶. هر که از این شود انگلیزیم  
 ۷. هر که از این شود انگلیزیم  
 ۸. هر که از این شود انگلیزیم  
 ۹. هر که از این شود انگلیزیم  
 ۱۰. هر که از این شود انگلیزیم

عذاب گذشتہ باشد

کرم و کرم عصیان فلان باشد      مولانموت ر بعقل خود دادنت بشو و وقت طلا

درهم باشد که بقدر کسی کند که میسر باشد و از اصولی که تا بدینکه میسر شده و از اینها

حیدر آباد و حیدر آباد نند  
سبوت بر نند بغیر از نیست الامور فاعلم الامور

و در سینه انسان رخسار است و درین رخسار و عیاقان بیضی است و قاع انسان و بالا ایند بخیر

در هر صفتی که باشد بشری است باشد بهیچانکه در علم و شجاعت و زهد و اخلاق و مانند اینها

بانش زنده باشد تا در صفت دل میشود همه باشد و غیر این است محمد بن نبی در این عهد

المصطفى است زاد الله دعوتهم في الدنيا والآخرة بحسن تبيين حقيقته وبيان ما هو عليه استمداد دعوات

التي تخرج من هذه النكتة فسر وفساد في الدنيا. وفيما له عمل به علوم شاه رسول الله



باز که در این عالم بگردی  
ببینی که هر چه هست از تو  
باز که در این عالم بگردی  
ببینی که هر چه هست از تو

بیت بهر چه آید از خشنود و غم  
ببینی که هر چه هست از تو

بگو محتاج بغیر باشد  
ببینی که هر چه هست از تو

بگو محتاج بغیر باشد  
ببینی که هر چه هست از تو

بگو محتاج بغیر باشد  
ببینی که هر چه هست از تو

بگو محتاج بغیر باشد  
ببینی که هر چه هست از تو

بگو محتاج بغیر باشد  
ببینی که هر چه هست از تو

بگو محتاج بغیر باشد  
ببینی که هر چه هست از تو

بگو محتاج بغیر باشد  
ببینی که هر چه هست از تو

بگو محتاج بغیر باشد  
ببینی که هر چه هست از تو

بگو محتاج بغیر باشد  
ببینی که هر چه هست از تو

بگو محتاج بغیر باشد  
ببینی که هر چه هست از تو

بگو محتاج بغیر باشد  
ببینی که هر چه هست از تو

بگو محتاج بغیر باشد  
ببینی که هر چه هست از تو

بگو محتاج بغیر باشد  
ببینی که هر چه هست از تو

بگو محتاج بغیر باشد  
ببینی که هر چه هست از تو

بگو محتاج بغیر باشد  
ببینی که هر چه هست از تو

بگو محتاج بغیر باشد  
ببینی که هر چه هست از تو

بگو محتاج بغیر باشد  
ببینی که هر چه هست از تو



یعنی قرآن را در اسلام رسد و نه از پیش از آن و بعد

بابیای علیهم السلام فرستاده چون قیامت در این کتابهای آسمانی و قیامت مجازات زیرا که سخن را دان

مکتب میرزا محمد باقر  
مکتب میرزا محمد باقر

فانما است وبقی الحال بالست نقصدا و در این قصه از لایحه و وجه و در قضا و در بنامند

روانہ شایان راستہ میں محمدیوں کے لئے جہنم کی آفت و بارش ہو جائے

ایستاد و درویش است و آنکه در میان این دو عین حق تعالی و ملک

عزیز من در غایت محبت با ما بودند ایست  
حق تعالی صلیت است یعنی ایستادند

—



و انچه در کتاب پس بجهت فاعله می خواند باشد

و انچه در کتاب پس بجهت فاعله می خواند باشد

و انچه در کتاب پس بجهت فاعله می خواند باشد

و انچه در کتاب پس بجهت فاعله می خواند باشد

و انچه در کتاب پس بجهت فاعله می خواند باشد

و انچه در کتاب پس بجهت فاعله می خواند باشد

و انچه در کتاب پس بجهت فاعله می خواند باشد

و انچه در کتاب پس بجهت فاعله می خواند باشد

و انچه در کتاب پس بجهت فاعله می خواند باشد

و انچه در کتاب پس بجهت فاعله می خواند باشد

و انچه در کتاب پس بجهت فاعله می خواند باشد

و انچه در کتاب پس بجهت فاعله می خواند باشد

و انچه در کتاب پس بجهت فاعله می خواند باشد

و انچه در کتاب پس بجهت فاعله می خواند باشد





نوم و خواب غرض از این است که بدن را تندرست نگاه دارد و در وقت بیداری

[illegible]

در اوقات صحبت همین وقت که در وسط کتب بود اندام میانه تخم مرغ و پستان در اوقات بند

بہاؤ الدین نے یہ بھی فرمایا کہ اگرچہ جو شخص اپنے لیے دنیا کی چیزیں جمع کرے اور ان سے اپنے لیے فائدہ لے لے گا مگر اگر وہ ان سے اپنے لیے فائدہ لے لے گا مگر اگر وہ ان سے اپنے لیے فائدہ لے لے گا

و در این مذهب خدای یار و مقربان او را حل نماید یا بشنمید و میگوید که از این جهت است که در مذهب

درین مورد غیر از آنکه در این کتاب مذکور است و بجز این که در این کتاب مذکور است

شعبه فرهنگ و ادب

ایستاد

1871

*[Faint handwritten notes or bleed-through from the reverse side of the page.]*

ملک ایران و هند و غیره را

ندام مع شوندر:

تاریخ ۱۲۸۵

زیر و زور

مذہب متعالیٰ است

مہذبہ ایضاً

نویسند و در هر روز

انتم واولادکم

- 10 ! 25

محمّد بن عبد الله بن محمد



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

و بعد از این که از این کتاب خواند و در این راه راه نهد و به سوی آن آید و...

و بعد از این که از این کتاب خواند و در این راه راه نهد و به سوی آن آید و...

و بعد از این که از این کتاب خواند و در این راه راه نهد و به سوی آن آید و...

و بعد از این که از این کتاب خواند و در این راه راه نهد و به سوی آن آید و...

و بعد از این که از این کتاب خواند و در این راه راه نهد و به سوی آن آید و...

و بعد از این که از این کتاب خواند و در این راه راه نهد و به سوی آن آید و...

و بعد از این که از این کتاب خواند و در این راه راه نهد و به سوی آن آید و...

و بعد از این که از این کتاب خواند و در این راه راه نهد و به سوی آن آید و...

و بعد از این که از این کتاب خواند و در این راه راه نهد و به سوی آن آید و...

و بعد از این که از این کتاب خواند و در این راه راه نهد و به سوی آن آید و...

و بعد از این که از این کتاب خواند و در این راه راه نهد و به سوی آن آید و...

و بعد از این که از این کتاب خواند و در این راه راه نهد و به سوی آن آید و...

و بعد از این که از این کتاب خواند و در این راه راه نهد و به سوی آن آید و...

و بعد از این که از این کتاب خواند و در این راه راه نهد و به سوی آن آید و...

و بعد از این که از این کتاب خواند و در این راه راه نهد و به سوی آن آید و...





اعترى الرمية خنصر، وبيت القنصان، وقد روى من سرقى دخل في حجاب العثم اورد في

اوتىب اليك الشكر والحمد والثناء والجليل والجميع والحمد لله رب العالمين

النبي من اولاد ادم و نبيده نبي استخوان به ادم عليه السلام ابو البشر و نسب و عا

بل و رئیس دین و حدود و مصالح و احوال و معیشت و حق و عین و قیاس و تنبی

در قتل یوسف و یونس و محمد و زکریا و ابراهیم و عیسی و یحیی و موسی و هارون و نوح و ادریس و شعیب علیهم السلام

وہی ہے جس نے ہمارے لئے یہ سب کچھ کیا ہے۔

الْأَمْسِ اقْرَبَ وَبِتَّ بِسَلَامٍ لَا يَسْأَلُ عَنْهُمْ وَفَقَرْتُ لَهُمْ وَتَسْتَعِينُهُمْ وَتَجْنِبُهُمْ عَوْنًا

نبايخه داران در زمانه ايشان به جليل اجليل محسوب ميشود و اين بديعه را در مثنوي شمس

بالتسليم والامانة الى الله تعالى وبقرينة الموتى وحفظه اجمعين

نظره بیهوده ۳ - مذکور در مرقیات - حقیقه مومن و غیر حاکمه بین سلیمان و یونس

نیز و شریعتی که می آید و از آنست که مستطاب و مؤلفی که بقرب امضا

بسم الله الرحمن الرحيم

کتاب خود را به حضرت امام دانا علیه السلام تسلیم نمود و فرمود:

三























بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
الذين هم خلائفنا  
في الأرضين  
والسموات  
والذين هم  
أئمتنا  
في كل زمان  
ومكان  
والذين هم  
أركاننا  
في كل شأن  
والذين هم  
أركاننا  
في كل شأن  
والذين هم  
أركاننا  
في كل شأن

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين

والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

الذين هم خلائفنا في الأرضين والسموات

والذين هم أئمتنا في كل زمان ومكان

والذين هم أركاننا في كل شأن

والذين هم أركاننا في كل شأن

والذين هم أركاننا في كل شأن

والذين هم أركاننا في كل شأن

والذين هم أركاننا في كل شأن

والذين هم أركاننا في كل شأن

والذين هم أركاننا في كل شأن

والذين هم أركاننا في كل شأن

والذين هم أركاننا في كل شأن

والذين هم أركاننا في كل شأن

والذين هم أركاننا في كل شأن



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

والصلاة والسلام على من لا نبي بعده  
وبعد فقد حضر في شهر ربيع الأول سنة ١٢٨٥

في شهر ربيع الأول سنة ١٢٨٥  
في شهر ربيع الأول سنة ١٢٨٥

في شهر ربيع الأول سنة ١٢٨٥  
في شهر ربيع الأول سنة ١٢٨٥

في شهر ربيع الأول سنة ١٢٨٥  
في شهر ربيع الأول سنة ١٢٨٥

في شهر ربيع الأول سنة ١٢٨٥  
في شهر ربيع الأول سنة ١٢٨٥





مذہب نبی صلی اللہ علیہ وسلم ہے اور اس کا نام ہے محمدیہ امت ہے۔

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم أئمة المرسلين وأوصيائه الكرام







وی به نیت دوستی و محبت خود در ساعت سوره ان نوح در آن روز

دند کبوتر دای و مانند اشعار شود بی تاب گردد و بر خدای

که کیم از راه دور میاوری حیاءت بسود این مورد ایام اشرف خدیوار

بجای زوہر دریا و از زمین و آسمان در حد حق تعالی اورا

کرد و باید که در وقت خوابیدن بوی خوش بر آتش نذرین تسبیح است

و در شود و بر اثر خواجی که داند و بر عهده کارهای او بسیار سخت بود و در

این سوره را بر آن خون و باد بپاشد به نیت امان و تحریک و این ترانه شود هر

مکتوبه حضرت امام رضا علیه السلام به امیر کورغانی که کسی را از خود خبری از سنی بیدار

بسم الله الرحمن الرحيم

این مورد بخواند و با دد م به نیت خدمت اعضاء و مورد رکنان

ناله مشیه: بجز قراری که من و دود بر بیار دو عفره در میان

بسم الله الرحمن الرحيم

و بعد از خواندن عود و سحر بخور و کباب و چای و آب و شیرین

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله











This image shows a blank, aged, cream-colored page, likely an endpaper or flyleaf of a book. The paper has a slightly textured appearance with some faint smudges and discoloration, characteristic of old paper. The left edge of the page shows the binding of the book.

درین مقام

20

بسم الله الرحمن الرحيم

م ر م ط ا ب ل ه ف ن س ط س ل ط م م ج م ل ن ت ث ط ل

ماہنامہ قریب بہاویہ، سہ ماہی، سہ ماہی، سہ ماہی

عنه عليه السلام

مَنْ لَمْ يَكُنْ لِقَائِهِ

[illegible]

ابو اسحاق بن محمد بن سرحشت بن متقال وابنه اسحق بن

نورالرحمان در ده دشت و شش در باب خزان

[illegible]

و تالی دی بسل این - خور

وزن مقرره و منزل

ویرمک بیاضی ناز و معلوم

پیش از زمان حضرت علی (ع)

ایمده و شرف داشت که گفت در این

من بیرون و از فرزند به بیرون

دستورالعملی و مقدماتی



*[Faint handwritten notes or bleed-through from the reverse side]*

از این شعر و مثنوی

الشيخ محمد بن عبد الوهاب

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

مفتی محمد رفیع الدین صاحب

مفتی محمد رفیع الرحمن صاحب دیوبند

*[Faint handwritten notes or bleed-through from the reverse side.]*

منه من حسن حاله

ازین سرمنه فیه

نقد و بررسی

الطوار من رشتن  
انوار من رشتن  
سبب بر رشتن  
سبب بر رشتن  
سبب بر رشتن  
سبب بر رشتن

رفع از رشتن  
رفع از رشتن  
رفع از رشتن  
رفع از رشتن  
رفع از رشتن  
رفع از رشتن

رفع از رشتن  
رفع از رشتن  
رفع از رشتن  
رفع از رشتن  
رفع از رشتن  
رفع از رشتن

رفع از رشتن  
رفع از رشتن  
رفع از رشتن  
رفع از رشتن  
رفع از رشتن  
رفع از رشتن

رفع از رشتن  
رفع از رشتن  
رفع از رشتن  
رفع از رشتن  
رفع از رشتن  
رفع از رشتن

رفع از رشتن  
رفع از رشتن  
رفع از رشتن  
رفع از رشتن  
رفع از رشتن  
رفع از رشتن





۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
تاسیس ۱۳۰۲

کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
تاسیس ۱۳۰۲

کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
تاسیس ۱۳۰۲

کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
تاسیس ۱۳۰۲







سفر به...

بازار...

بازار...

بازار...

بازار...

بازار...

بازار...

بازار...

بازار...

بازار...

بازار...

بازار...

بازار...

بازار...

بازار...

بازار...

بازار...

بازار...

بازار...

بازار...

بازار...

بازار...

بازار...

بازار...





از بخله در پنج دروزد ب کند حرکت دهند بپوشید از بخله گرفتند و

بپایند و دروزد ب کنند و گونه را بپایند و بپایند و بپایند و

دروزدنی که ریزد بپایند و بپایند و بپایند و بپایند و

از بخله ایستند و دروزدنی که ریزد بپایند و بپایند و بپایند و

دروزدنی که ریزد بپایند و بپایند و بپایند و بپایند و

بپایند و دروزدنی که ریزد بپایند و بپایند و بپایند و

بپایند و دروزدنی که ریزد بپایند و بپایند و بپایند و

بپایند و دروزدنی که ریزد بپایند و بپایند و بپایند و

بپایند و دروزدنی که ریزد بپایند و بپایند و بپایند و

بپایند و دروزدنی که ریزد بپایند و بپایند و بپایند و

بپایند و دروزدنی که ریزد بپایند و بپایند و بپایند و

بپایند و دروزدنی که ریزد بپایند و بپایند و بپایند و

بپایند و دروزدنی که ریزد بپایند و بپایند و بپایند و

بپایند و دروزدنی که ریزد بپایند و بپایند و بپایند و

بپایند و دروزدنی که ریزد بپایند و بپایند و بپایند و







*[Faint, illegible handwritten text]*

و سرمدی که بیوت اندر تاج خیمه شود اگر ترشی میل بدز تر خیزد سر ایچا

او اعتقاد داشت که پادشاه نابالغ بود و قضیه سخت بود و اگر حد فراقیت در

جناح معنویت جماع که مضررت بی زسر و نشاط اودا دست و پدیه

دیگر بکوی و کوشت نریه دور کها از وی هز و کدر چو انرا استیمان از

بیان ربا و غش کردن بریان کرده و از زیرین و غش بپایند و غش

خونش کند پس در حیات و ذوال هر یک را در آن داشت و نوشت شصت و بر آید

یا شاد و یا آن فقیر بخورد و حیثیت آنکه بخورد و یا در فقرت غنیم دهد

صریق زین و ان جند و هی تازه ای زنده درم ز غریب مدتی بیرون

از وی عود نذریده که در او دل در زیر پان شود و انقباض صد نام شراب

بازاری میل میاری و زنی که رسود نشاء اند و قوت عظیم بود دینار

یوم یوم — تریب و سر بیان کند و سر غنای کم زاده بچ در لک و آمد و رفت و ریح

[illegible]

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰











معمایان بکجا میروند و تا شد و اندیشه را میسرند بر سر آرد و بگو که عین می بینید

مردم را میسر است و در غایت از سر لایحه و در بگو که آیه شریفه را زنی بجز آن

و بگو که باید در این کفر و بیگانه با بعد از آن که میگویند که بگویند و بگویند

در این و بگو که چه چیز و چه چیز و در و در و در و بگو که در و بگو که

در این و بگو که چه چیز و چه چیز و در و در و در و بگو که در و بگو که

مردی را که میسر بود و دیو و پری و شیطان و فرشته و پادشاه و پادشاه و پادشاه

چهار کتب در دست داشت و در هر یک از آنها نامی از پادشاهان و پادشاهان و پادشاهان

نوشته شده بود و در این کتابها نامی از پادشاهان و پادشاهان و پادشاهان

و بی نامی از پادشاهان و پادشاهان و پادشاهان و پادشاهان و پادشاهان

و در این کتابها نامی از پادشاهان و پادشاهان و پادشاهان و پادشاهان

و در این کتابها نامی از پادشاهان و پادشاهان و پادشاهان و پادشاهان

و در این کتابها نامی از پادشاهان و پادشاهان و پادشاهان و پادشاهان

و در این کتابها نامی از پادشاهان و پادشاهان و پادشاهان و پادشاهان

و در این کتابها نامی از پادشاهان و پادشاهان و پادشاهان و پادشاهان

و در این کتابها نامی از پادشاهان و پادشاهان و پادشاهان و پادشاهان



و بی وضع عقید بسیار در حضرت دیدیم. ایشان گفتند ای صاحب ایمان سرودش فرموده

[illegible]

سیدیه گفت ای ملازمین خانامش! چه راستارفتد؟ نشوید که است رفتن آدمی بیغیر فایده

رت در آستان عشق پایت ایتم ز ما غیصوت ست و مقام بر آید بهای ستور

و دوستداران باشد هرگز بدین و یا با شایع زعمی متوقف بماند چنانچه آید ما افتد

و به چشم و عنایت لایق نالرزند و سیر بود و در این ایام بنفاجه راه میروند و گاه کهنه و تنی و اقشار قدیمه

در صورت لزوم محتاج به شراکت و مشارکت دیگران و عاقل متفوی و اولاد

و سخن بهر دانی بدو انداخته است و گوشتش را میخورد و سر او را میخورد و بهر دانی

که این عقوبت بفرستد با حق ندانم و در دوزخ و سید موصوفی کند و سید موصوفی کند





بدرستی که در این روزها در این شهر...

خوب است که در این روزها در این شهر...

بدرستی که در این روزها در این شهر...

خوب است که در این روزها در این شهر...

بدرستی که در این روزها در این شهر...

خوب است که در این روزها در این شهر...

بدرستی که در این روزها در این شهر...

خوب است که در این روزها در این شهر...

بدرستی که در این روزها در این شهر...

خوب است که در این روزها در این شهر...

بدرستی که در این روزها در این شهر...

خوب است که در این روزها در این شهر...

بدرستی که در این روزها در این شهر...

خوب است که در این روزها در این شهر...



و انچه در آنجا بنویسد آنکه بخورند و از این اسم الله تعالی که در حق او چنین گفته اند

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله العزیز ذو الجلال والإکرام

بغيره ورويه عنه فممن اتهموا التهمة فلهذا سجدت له فاعلم من هذا ان الحق رايناك

أصافهم باليهود لأنهم كانوا أعداء محمد ﷺ من كل قبيلة وسائر أسيادة

حسنه بمحمد طاهر الخليلي

سید بن ابی طالب علیه السلام و آله و سلم

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم



۱۰  
 ۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰

[illegible]





بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

والتحفة النيرة  
في شرح  
البيان  
الغني  
في شرح  
البيان  
الغني

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

[illegible]

مریدان! این سرچشمه شریف است که در عالم مریدان و پیروان خود دنیا و آخرت را فانی می‌کند.

سید به گفت کی دلائی بی زرم شی جلدیاست در دست و نمی آید است از این دور بیرون می آید یا در اینست بنظر

و خدیجه بنت ابی طالب را که در آن زمان در مدینه بود و با او بیعت کردند و او را به عنوان یکی از ائمه معرفی کردند.

بسم الله الرحمن الرحيم

کتابت شد در این جهت است که گفت و گفتند و گفتند که خود را به اندامی که می بیند و می شنود





و نیز باشد و جوین بنی نمله و زک بن است که در کتب به مذکور می آید  
 و جوین در ذوق شمس و شمس می است و بنیان چند شیخ و فقه و حکم بیان نموده  
 است و قیامت و سابقا مذکور می آید که بن جوین مترادف صد است و قیامت  
 بعد از ذوق شمس و شمس و قیامت و جوین و شمس و قیامت  
 که قریب به چهارده من از سبب است  
 است که نشان می آید است و باید به است که صاحب را به حق می آید و  
 جوین بن جوین و چهار شمس و بعد از آن که از جانب پیشا یکدیگر می آید و  
 و است که است که از جانب پیشا می آید و یکدیگر می آید و  
 شمس و انچه از انچه می آید و چهار شمس و است که از انچه  
 و نیز می آید و از شمس و از حساب می آید و است که از انچه  
 و بعضی گفته اند که شمس و از حساب می آید و است که از انچه  
 و نیز می آید و از شمس و از حساب می آید و است که از انچه  
 و نیز می آید و از شمس و از حساب می آید و است که از انچه



مذکور است که شمس و از حساب می آید و است که از انچه

مذکور را من به تجربه و موفق و موفقیه در این صاعقه ای که می شود که مذکور شده است

اعتقاد شد که در این بر قول فتوی آن ائمه است و تحقیق مزاجیه موسی است

اشاره و آیه شریفه و بعد از آن صریح این صاعقه آن قدمت از آیه مذکور است و در بر

و چون معنی باشد به تجربه و در دست خود پیمایند

نیز صاعقه ای که آنرا مقدمه رساله اشاره شده ملوک است و ملوک ما بر این صاعقه

و موسی مذکور است بی نهایت بقدر سنجیده و کجای خود است و در این کتاب

لغت مذکور است که ملوک بر این است که در بعضی و نیز و قفسی معنی سنجیده است

نزد است در حق و موسی مذکور است که ملوک است و در این کتاب

قفسی بر این است و بر این است ملوک است

نقشه اند که قفسی بر این است و در این است و بعضی نقشه اند که قفسی است

که بی بیوت و در این است و در این است و در این است

و الله اعلم و در این است و در این است و در این است

نقشه اند که قفسی بر این است و در این است و در این است

و الله اعلم و در این است و در این است و در این است



[illegible]

آن پندار نیست که در حق تعالی است و یا استعداده و عواید باشد نه بود در آن <sup>است</sup> <sup>جمله</sup>  
و نیز بهین بر کند در حق و تو موس حقیقت است بهین نمایست بلکه این معنی بیشتر از آن  
که آن حضرت بیشتر بر می کند و نظم در حدیث که در بیان حق تعالی است و تفاوت  
حق تعالی می نمود مقدار یک بر سه در حدیث بعد از آنکه می دانست موقوف بود و موس  
می شود و در حدیث مذکور است حاجت نیست او بی نیازی بود و بی نیازی  
کتاب مذکور است و در جوامع الاثر می کشند که آن حدیث در حدیث است و این جمله مذکور <sup>است</sup>  
در حدیث و معنی این حدیث است و چون گفته است این حدیث است و معنی تطبیق است  
و موس این حدیث مذکور است و این حدیث مذکور است و موس از حدیث مذکور است  
و در حدیث مذکور است و در حدیث مذکور است و این حدیث مذکور است و در حدیث مذکور است  
بمعنی این حدیث مذکور است و در حدیث مذکور است و این حدیث مذکور است و در حدیث مذکور است  
فقدور و حقیقت آن می دانند از حدیث مذکور و موس حدیث مذکور است و در حدیث مذکور است  
در حدیث و موس در حدیث مذکور است و در حدیث مذکور است و این حدیث مذکور است و در حدیث مذکور است  
و در حدیث مذکور است و در حدیث مذکور است و این حدیث مذکور است و در حدیث مذکور است  
و در حدیث مذکور است و در حدیث مذکور است و این حدیث مذکور است و در حدیث مذکور است





رطل دور حل بقدر نصفه و بحساب سار جلا سار و بحساب و قیر است و چهار و نیم

بیان نموده و در جو مع نوز وید از نجابت بنی بجمین موفی حین تفسیر نموده است و نیز خنده

دو را بستند و تفسیر نموده و من لفظ الیچی و معنی است شانه و قیر و در قرا بادین

قدش از قرا بادین بیدین حل نموده که من روی است و قیر است و نیز در وقت بنی از بنی

کتب برین وجه قرار نموده و بنما در قرا بادین قدش مدد است که من و کت دویت و تفتش

در جم است و من لفظ الیچی و معنی است شانه و قیر است و نیز در وقت بنی از بنی کتب

بین وجه نقل نموده و بنما در قرا بادین قدش مدد است که من و کت دویت و تفتش

و من لفظ الیچی و معنی است شانه و قیر است این است بیان من که در بنی است و بنما مدد

و بنما قرا بیان من که در بنی است و بنما مدد این است بیان من که در بنی است

یا بتقریب و بنما قرا بیان من که در بنی است و بنما مدد این است بیان من که در بنی است

و مد بنما قرا بیان من که در بنی است و بنما مدد این است بیان من که در بنی است

در بنما قرا بیان من که در بنی است و بنما مدد این است بیان من که در بنی است

بنما قرا بیان من که در بنی است و بنما مدد این است بیان من که در بنی است

و در بنما قرا بیان من که در بنی است و بنما مدد این است بیان من که در بنی است



که چنانکه گفتیم جوهری است از جنس نور و در مرتبه کبریا و در مرتبه

حضرت شیخ جلال الدین و حضرت در قدس و در مرتبه کبریا و در مرتبه کبریا و در مرتبه کبریا

بین و بعد از هر یک از اینها و در مرتبه کبریا و در مرتبه کبریا و در مرتبه کبریا

در علم عقلی که در علم کلام و در علم کلام و در علم کلام و در علم کلام و در علم کلام

بعد از آنکه در علم کلام و در علم کلام و در علم کلام و در علم کلام و در علم کلام

و در علم کلام و در علم کلام و در علم کلام و در علم کلام و در علم کلام

جوهری است از جنس نور و در مرتبه کبریا و در مرتبه کبریا و در مرتبه کبریا

جوهری است از جنس نور و در مرتبه کبریا و در مرتبه کبریا و در مرتبه کبریا

در علم کلام و در علم کلام و در علم کلام و در علم کلام و در علم کلام

جوهری است از جنس نور و در مرتبه کبریا و در مرتبه کبریا و در مرتبه کبریا

بالمعنی است و در علم کلام و در علم کلام و در علم کلام و در علم کلام و در علم کلام

بالمعنی است و در علم کلام و در علم کلام و در علم کلام و در علم کلام و در علم کلام

بالمعنی است و در علم کلام و در علم کلام و در علم کلام و در علم کلام و در علم کلام

بالمعنی است و در علم کلام و در علم کلام و در علم کلام و در علم کلام و در علم کلام





این شد بجهت مؤلف منبر عرف و ذائقه بجهت دفعه فوق معتمدی و زیانده

قرنفل ۱۲ حبث بقله حاجت شربت سحبه با چند شکر حبث نذایه حبث غریب قرصه

[illegible]

بني خالد در نخله دین و زده سر بلندید ستوا نوشتید و عماد الدین محمود نخله مجور

منه عوادد مروارید ناسفته دم حاقه فرحانم زنجیل درم ز نیار پدرم زنده

هفتاد و دوم نغمه لوتی ۲۲ شصت و هشتاد و دوم و آنکه بیاردم میوزیویا ۲۲

پیامد مردم گرفته مردم نفعی سفید بودم منجبت منم فلفل سفید بودم

و زانوقت که در حیات دد در غلظت شده اند به بن جدم و نیت و نیت انستاد

منه: انتموه ایستند و بعد از سه ماه روانه بجایهت ذی و مد هر لدم دوستقال بنیره

الدون في أقرب الزمان حيث ينبغي من أولها ما نلت سؤمته مدبرها استق سؤمته بره

سازدیم تو یارم دم ز فتنه مردم و منم که قدری شیرین بود از دهنه درد

بستان زمانه تریا که حل کند و ملو به اندر قی شود ز غمرا نی اندر فل کند خوب است

جی







باز منتهی شد آنست که بر شش پند و بود خوش ز دیدن پست و بر نه حیانت

رود ندید باشد که به مهر خون و جنت کند رود و جو یا کند باشد مثل زشت

و نه که موهود است و نه دروغ است و درین فوجی باید دانست که ز قدر زود

نشد و نه از سبزه ست و نه سیاه بود و نه فتنه باشد و نه شده و حیانت نکند

سیاه باشد و نه باید از زشتی و نه چاره سودد و در دین حق و غیره

پند و درین پند و نه بدکار پند و نه بد گفت و نه بد گفت و نه بد گفت

عنه خوب باشد باید که یک سفید بود و چون سیاه شد و چون سیاه شد

سفید باشد و در چاره بسیار بود و چون سفید شد و نه سفید بود

در چاره سیاه شود و چون سیاه شد و نه سیاه شد و نه سیاه شد

و چون سیاه شد و نه سیاه شد و نه سیاه شد و نه سیاه شد

آبینه و نه دو پند حیانت در دین سیاه شد و نه سیاه شد

و بر سر آب آید باشد و درین آب نشیند و نه درین آب نشیند

باید بود و چون در کشت و نه در کشت و نه در کشت

نزد و نه حاکمیت خود است و نه در دین و نه در دین

و نه در دین و نه در دین و نه در دین و نه در دین

و نه در دین و نه در دین و نه در دین و نه در دین

و نه در دین و نه در دین و نه در دین و نه در دین

محمد رضا خان







و بعد از آن که نمود سود در دهر و رات باشد مخرج بقدر سنگی باشد که بقدری

و ندویدنی بر زبان است و حقیقت آنست که ای همه خدایان و شایانند و فانیانند

و نویدند نظر نمود گشت و حیوه نقض احیاء هنر و هر چه با ذرء عالم سفید و ناز

و چون بر روی باشد بگذارد و در پیرامون بدیش گذارد و نوشت

به دور بماند و در بره نشویند میورند با هر بیزد جبر انوار نمایانند

پادشاهی بود و در آنجا جو خدای غنی شده و زمینش شاد و نو شده یافت و در

و در آن شود و بعد از خوردن در عهد جنبه ها از آب بریزند و تا به صبح صبر کنند و در آن روز

باشد معرفت منوکر و یک لایحه نمودن با حق نیست رسیدن و شرف باشد

آنکه مرد پیر از نزدیکی حال میخیزد و بدست دیر میزند و تشنگین در خونند بایه و

[illegible]

پوز پران و شیر بران در لایق و جویب زدن و شهادت و عزت در لایق و

کدام به موصوفه و کرمی باشد در ملامت در دوست خودی و سیرت خویش کند

[illegible]

منه و انت که در دهن بنده است و نه از دیر باب شود بهمن - بهر ما







[illegible]







باید بود و درند و آفتاب یابد دهند فزند بزر باشد و بقیه نه ماند و بنگارند

نستیمست و بعدی و طنای بایک سیاه باشد فزند و بقیه طاقی و بعد آن را در حلقه

خوانند و آنچه در بعد آن را می خوانند و بعدش در دوهنگام باشد و نیز می آید لا و بقیه

ن کسان شش بیت لا اولی انما سیاه ساخته و در آنجا دهند و بقیه با قوت می باشد اما

دهند فزای بهتر می شود نوع باشد نوع ملای و در آن فزی و در آن مسی و بقیه طاقی باشد

از آن بهتر بود و نیز می آید و بقیه است تلخ باشد و خربزنی نیز می آید از مسی است و بقیه نیز

می کشند و نیز می آید و بقیه می سازند و عزیزند و در آنجا دهند و بقیه در آن می کشند

نستیمست و بعد آن را دهند و بقیه در آنجا دهند و بقیه در آنجا دهند

بند می ماند و در آنجا دهند و بقیه در آنجا دهند و بقیه در آنجا دهند

دهند و بقیه در آنجا دهند و بقیه در آنجا دهند و بقیه در آنجا دهند

نستیمست و بعد آن را دهند و بقیه در آنجا دهند و بقیه در آنجا دهند

بند می ماند و در آنجا دهند و بقیه در آنجا دهند و بقیه در آنجا دهند

دهند و بقیه در آنجا دهند و بقیه در آنجا دهند و بقیه در آنجا دهند

نستیمست و بعد آن را دهند و بقیه در آنجا دهند و بقیه در آنجا دهند

بند می ماند و در آنجا دهند و بقیه در آنجا دهند و بقیه در آنجا دهند



[illegible]

باشد و بخت هم بر منش در عهد و ایام بیخیزد و چشم خود بر منق و نقوش است ایام تمام از دره

المجد ویرشاهان و بیرون - پسند رشتند - آه اول در مع پادشاهان سبب است بدو

کتاب به حمل شدی بود و در وقت سحر خوانده شد و در آن شب و در آن وقت و در آن

و به این جهت که در شریعت مذکور است و بیشتر میله به این گونه که در ندری بخانه برینند و قوت

اشد بغایت مخلوق بد و بد جفا که میان خود و بسیار باشد این جمله می آید نشانه

اما انشور و قوت دارد و به نفع باشد یا نه و متفق ندارند اما با قوتشان بنا

و شود بیاید و چیزی نباشد اجتناب از این است که منفی باشد و پند نماند بدو و

و میگویند که شفا قدری بر شده - بقابل افتاب میزنند و شش و ریه و حقیق

ستاره خدای و شرف باین بود که نیامد عستایند که در و میقت

در نهایت بدایت امر در این ششستة شصت و هفتاد و پنج است.

جمله دریا نمود در سینه نشسته صفی را بنویسد بیا



[illegible]



و تسمی پستان و در دهان سر در میاید و بیضه نمود و در خیمه بر می آید و در دهان

و معاجیل بنام در دله نوت بعد و نشاء بشیریه و قدمه ذریع کدر عویدر صاف کردند

تاجدار را گویند که چه میزند و مؤثره میزند و فستودی میزند و در محو و نه رنج تدفین میفریادند

در وقت پنجم کسند محبت پنجم را در وقت بیستم عربونست و یکساز فزونی و بیاض ستار

نموده است و میگوید که اینها خودت سرخ از اینا قوت آید و اینها نیز در یک و سه شود چند باشد بشمار

و بزرگ و نامید چنانکه در کتاب و نشو و نما و لایحه مرچند رسیده و مد جو زمره و رجاء شده و

عشق بهمان نام بود و زنجیر و یوم چندان نام و نیمه ام جو و نیمه عمده از نیت باب بود

و شرفی است که در این سید و مهر در میان است و نمودن این در تاج محمود است از این جهت

عنه عزیمت بود حقیقت زور و در شرح نه دقیقه درایده بود و در وقت



شود و آن بعد از این که آید و بدی بود در میان وی حشاش و قتیق و ابدان و انسا الحاید

صفت گذشت باشد و غرض و مراد از این باشد چو بگوید زرد و بزرگ بوده باشد

وَمَا تَذْكُرُونَ يَوْمَ إِذْ تُؤْفَكُونَ فَكَانَ لِجُحُشِكُمْ ثِقَلٌ مُّزِينٌ فَذَرْتَهُمْ وَمَا نَحْنُ بِذَارِكِهِمْ يَوْمَئِذٍ

وَمِنْ ذَٰلِكَ أَنَّهُ نَزَلَا عَلَىٰ رَجُلٍ مِنْهُ خُلُقٌ نَبِيلٌ ذَا ذِكْرِ وَبِهِ بَالٌ غَدِيرٌ

آب و آتش و خاک و هوا و اینها را میگویند که از اجزای عالم است و اینها را میگویند که از اجزای عالم است



مدرسه فاضله در علوم دینی و طب

بنده اله آء رسد خواند قد بدین مدای هفت ه اند ایام که جوب صدق بدین مدای اندر رسد

سودت که آمد سما پیدا شد و با آن فواید یافتند و سایر آیات و معانی از شد

باز آنست که این ویلارد و ملذیزد و بخوشی می بندد و می چنانکه در جمیع حیوانات مشاهده میگردد

دیوار و معبد منهدم میآیند و کتیبه را بر سر پائیند و معانی از کتب و غیره موهوب

فیتک می کند تا ان شاء که آفتاب فرو شود و هر منزه آن آفتاب است از هر آفتاب

ایند و باد هوا بخوبی تنی کند و چنانکه افسوسم زند پس رجاء خود می ریت افتا

فصل بیستم در بیان اشیاء و بیرون جهان که کمال آن در بیان اشیاء و بیرون جهان است

[illegible]

در بیان این که فیض است و بر تو میرود از آنجا که

Handwritten notes in Urdu script, likely bleed-through from the reverse side of the page.





و به نام خداوند متعال  
اینکه بگویند که این کتاب  
است و این کتاب است و این کتاب  
است و این کتاب است و این کتاب

باشد و این کتاب است و این کتاب  
است و این کتاب است و این کتاب

خوردند و این کتاب است و این کتاب  
است و این کتاب است و این کتاب

هلیله و این کتاب است و این کتاب  
است و این کتاب است و این کتاب

م و این کتاب است و این کتاب  
است و این کتاب است و این کتاب

م و این کتاب است و این کتاب  
است و این کتاب است و این کتاب

ن و این کتاب است و این کتاب  
است و این کتاب است و این کتاب

و این کتاب است و این کتاب  
است و این کتاب است و این کتاب

و این کتاب است و این کتاب  
است و این کتاب است و این کتاب

و این کتاب است و این کتاب  
است و این کتاب است و این کتاب

و این کتاب است و این کتاب  
است و این کتاب است و این کتاب

و این کتاب است و این کتاب  
است و این کتاب است و این کتاب

و این کتاب است و این کتاب  
است و این کتاب است و این کتاب

و این کتاب است و این کتاب  
است و این کتاب است و این کتاب

و این کتاب است و این کتاب  
است و این کتاب است و این کتاب

و این کتاب است و این کتاب  
است و این کتاب است و این کتاب

و این کتاب است و این کتاب  
است و این کتاب است و این کتاب

و این کتاب است و این کتاب  
است و این کتاب است و این کتاب



















به دو دین تشبیه کرد و آنجا بدین ملاحظت شود و در حق تشبیه - چنانچه بدین

تاریخ حاله میانه شش روز بعد از آن جمع اند و بنبره میل در جمع لشکر را و بره قفسه

مجبور است و روی لادوشتای چشم را برآورد لادوشتزه نموده و است لادوشتای را بلیه

سبل الطیب و تخم آن خورده شود و در سینه نفوذ جزئی می شود و عینه و این است

بخدمت و جیم کشادگان است      دین خود را سقون کردند از دین ز ابقود و دین است

للمسافر، قريب تزيده حجة بياقته، لا بد له من ان يمشى في شوارعها ويحيى شامدا

و بعد از آنکه در آنست بخانه آن غلام و خدمت بوی - سیاح افتد و آن جوانی

استوار نمایند از آب خوردن مستغنی شود و دفع تشنگی شود

لید و تو بزرگ و صفت این بزرگ و فاسد و بیدار به پست شد و بار شود و این را تو ای بار بار

پیر و نوید و طاهره الهادی معجون نمایند و در وقت تریاق مرقد الهی نوشند و آیه است



درم غنیمت هم روز هر قدر  
نیز که غنیمت است  
نوع یکم

مردم در این دنیا به دو قسمند یکی آنکه در دنیا بماند و یکی آنکه از دنیا برود

نوع دوم  
مردم در این دنیا به دو قسمند یکی آنکه در دنیا بماند و یکی آنکه از دنیا برود

نوع سوم  
مردم در این دنیا به دو قسمند یکی آنکه در دنیا بماند و یکی آنکه از دنیا برود

نوع چهارم  
مردم در این دنیا به دو قسمند یکی آنکه در دنیا بماند و یکی آنکه از دنیا برود

نوع پنجم  
مردم در این دنیا به دو قسمند یکی آنکه در دنیا بماند و یکی آنکه از دنیا برود

نوع ششم  
مردم در این دنیا به دو قسمند یکی آنکه در دنیا بماند و یکی آنکه از دنیا برود

نوع هفتم  
مردم در این دنیا به دو قسمند یکی آنکه در دنیا بماند و یکی آنکه از دنیا برود

نوع هشتم  
مردم در این دنیا به دو قسمند یکی آنکه در دنیا بماند و یکی آنکه از دنیا برود

نوع نهم  
مردم در این دنیا به دو قسمند یکی آنکه در دنیا بماند و یکی آنکه از دنیا برود

نوع دهم  
مردم در این دنیا به دو قسمند یکی آنکه در دنیا بماند و یکی آنکه از دنیا برود

نوع یازدهم  
مردم در این دنیا به دو قسمند یکی آنکه در دنیا بماند و یکی آنکه از دنیا برود

نوع بیستم  
مردم در این دنیا به دو قسمند یکی آنکه در دنیا بماند و یکی آنکه از دنیا برود

چند استوار و روش در صف آرم شده اند ایستاده اند و در صف یکا ایستاده اند و در صف

و مرده و با او بیاند و موم و شایق و جز به جانی و ده کی می خوریم در نزدش خوش بگذرد

نشود شود اگر تکرار فی نقل و ما زود خند و مشت در غم بساید و نیا فساد نتر و در سطره بنویس

بسیار دین و عبادت نوشتن و عبادت نمودن از بدست دیور فواء مشهور خواهد تر باشد بخاری

وفات شہوت بفریاد خوش را در پیش ده نوبت جمیع تو را در انرا رخ دریاں را بر من قریب

کند و در عوض چنانکه در مسأله ۱۰۰ صرفه یابد و بر بیانهای در دسترس بخند کند و

در پیوسته نتایج و توضیحات، هرگز فرزند نشود ترکیب یو بدو لایه را با لایه

وگوید در این شهر از حیث تعداد البتّه سه شود و غیره و خاله داماد مشرفی

خودت مثلک ایله بزرگوں شودیمیت درود و شود علیک سوزک محبت و میتریت

این امر پس خود غذا بخور و آب بنوش و به بدین جنبه قوت بر راه و حفظه و تمام بسیار و به

*Chrysomelidae*





شربت ارمالنت بیدر یاد الله علیه و آله

سلاست بدان روزی که میفرمود خوب بدانم که این روزی که با او را می شناسی بنیاد است

سرچام آباد الو حیدرہ ریویا درغوب بندہ اور وقت وزیہ دوردد وینس و ترمیدی و دوش

الحج بشارة و كذا في المطبوع

پیشانیه روحانی بیدار می شود و بعد از آن وقت آمدن امیری که در آن وقت بود

ساز شود از آن صفتی بود شد تو کند فدا در خون بدو صفاتی بود از آن صفتی بود

فوقه بنده محمد ابدی و دایم عاشق خدای

در رفتن نمود نوک اینها در خون و در این وقت که

الغناء والابواب

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

بیب زهرا زید بید یا خنری بیاید لیل و لایه با از به شد آمدند به فخر و خور بید و

و اما بگویم که اینست خوب بنابر ظاهر اینست که بدو را بدست زین و زین را بدست







از این کتاب که در این کتابخانه است  
در این کتابخانه است

این کتاب در این کتابخانه است  
در این کتابخانه است

بند چفت و بستن این کتاب در این کتابخانه است

این کتاب در این کتابخانه است

بند چفت و بستن این کتاب در این کتابخانه است

این کتاب در این کتابخانه است

بند چفت و بستن این کتاب در این کتابخانه است

این کتاب در این کتابخانه است

بند چفت و بستن این کتاب در این کتابخانه است

این کتاب در این کتابخانه است

بند چفت و بستن این کتاب در این کتابخانه است

این کتاب در این کتابخانه است

بند چفت و بستن این کتاب در این کتابخانه است

این کتاب در این کتابخانه است

بند چفت و بستن این کتاب در این کتابخانه است

این کتاب در این کتابخانه است

بند چفت و بستن این کتاب در این کتابخانه است

این کتاب در این کتابخانه است





کرده و کارش بدلت گزاید و در نزد سرخ نشود در خواب بهرق دیدند روان بنید میسند

خواجه جعفر عبدالقادر دو کوفه بنام آید استند و سیم اندر و در آید در عاقبت

[illegible]

بجاء ايدقق کرده واکمرايد نمیدانيد و در حقیقت هر دو در مورد ایدقق

اعتراف نفوذ الحسین بن علی در سد احکام و عین شریعت  
در حیات و عوالم حضرت

فروست و خردمندان و بزرگان از سید علی و دستمندان و خاندان و فرزندان و رعیت و کاد و پادشاه

قَابِلُ رَافِقِ مُؤْتَمَرٍ وَاعْتِدَادِ لِقَائِهِ وَبِهِ رُوسِ وَنِدَائِهِ قَادِمٍ حَقِيقِي بِنْدِ زُجَانِ سَلْمَانِ

و سبب اینست که هر یک از اینها را در خود درج نمود و ثبوت تمام اینها را در کتاب خود

مدیر وقت: یوشازو، کونند و نسل، و مملو، دور، حق، شکر و رحمتان و خوب، پند

و در شهر کاشان که در روزی یکصد و بیست و پنج نفر از آنجا شهادت دادند

چندین سال از این کتاب در دسترس بود

تأیید و رفع شود و هرگاه آنجا بود و در حدیثی از ائمه علیهم السلام است و معاد است و معاد است و معاد است

خوب است و بدان که در این کتاب هیچ چیز نیست که به شما بیاید و به شما نرسد

و عتق منی و فرزندانم با اندک دستم و در حد چنانکه از من بخواهند و چو در حد

در میان او و پدر و مادر و اخیان و رفیقان و در نزد ازادی و جانشینان و ملوک و فقیران و در میان

در میان اینها که زن در عواید پدرش نیز در اندامش محسوس و مجرب گردد و با آنکه در میان

کرم دوز در خواب بلند و آن چنان صید در آن غم تعلیق پیدا کرد و شربت در خواب بلند

این رب شاعر در روز دهم و بیستم نمود و هر که مدح و ثواب یافتند ثبات و استقامت و یادگیری

مذکور در حقیقت آنست که در این مورد عاقبت آنکه در دو مورد شواب نماز گذاران میباشند

و در روز غروب خورشید میزد بر در و در معجزات یکی آنکه این خانه را که در روز اول ساخته شد

بجای آنکه غوت رسد و عمل بر آید و در غایت بیداری و بیداری باشد و در غایت بیداری و بیداری باشد

فصل پنجم در بیان احوال و عادات و رسوم و آداب و تقاضای این شهر

تر شد و زینب را خوب بیدار کرد از صبح می پدید آمدن پادشاهی را از زبان

مدبران بقصر استوار علی مرتضیٰ قزوینی و خیر و امانت و احوال

1870  
 1871  
 1872  
 1873  
 1874  
 1875  
 1876  
 1877  
 1878  
 1879  
 1880  
 1881  
 1882  
 1883  
 1884  
 1885  
 1886  
 1887  
 1888  
 1889  
 1890  
 1891  
 1892  
 1893  
 1894  
 1895  
 1896  
 1897  
 1898  
 1899  
 1900  
 1901  
 1902  
 1903  
 1904  
 1905  
 1906  
 1907  
 1908  
 1909  
 1910  
 1911  
 1912  
 1913  
 1914  
 1915  
 1916  
 1917  
 1918  
 1919  
 1920  
 1921  
 1922  
 1923  
 1924  
 1925  
 1926  
 1927  
 1928  
 1929  
 1930  
 1931  
 1932  
 1933  
 1934  
 1935  
 1936  
 1937  
 1938  
 1939  
 1940  
 1941  
 1942  
 1943  
 1944  
 1945  
 1946  
 1947  
 1948  
 1949  
 1950  
 1951  
 1952  
 1953  
 1954  
 1955  
 1956  
 1957  
 1958  
 1959  
 1960  
 1961  
 1962  
 1963  
 1964  
 1965  
 1966  
 1967  
 1968  
 1969  
 1970  
 1971  
 1972  
 1973  
 1974  
 1975  
 1976  
 1977  
 1978  
 1979  
 1980  
 1981  
 1982  
 1983  
 1984  
 1985  
 1986  
 1987  
 1988  
 1989  
 1990  
 1991  
 1992  
 1993  
 1994  
 1995  
 1996  
 1997  
 1998  
 1999  
 2000  
 2001  
 2002  
 2003  
 2004  
 2005  
 2006  
 2007  
 2008  
 2009  
 2010  
 2011  
 2012  
 2013  
 2014  
 2015  
 2016  
 2017  
 2018  
 2019  
 2020  
 2021  
 2022  
 2023  
 2024  
 2025  
 2026  
 2027  
 2028  
 2029  
 2030  
 2031  
 2032  
 2033  
 2034  
 2035  
 2036  
 2037  
 2038  
 2039  
 2040  
 2041  
 2042  
 2043  
 2044  
 2045  
 2046  
 2047  
 2048  
 2049  
 2050  
 2051  
 2052  
 2053  
 2054  
 2055  
 2056  
 2057  
 2058  
 2059  
 2060  
 2061  
 2062  
 2063  
 2064  
 2065  
 2066  
 2067  
 2068  
 2069  
 2070  
 2071  
 2072  
 2073  
 2074  
 2075  
 2076  
 2077  
 2078  
 2079  
 2080  
 2081  
 2082  
 2083  
 2084  
 2085  
 2086  
 2087  
 2088  
 2089  
 2090  
 2091  
 2092  
 2093  
 2094  
 2095  
 2096  
 2097  
 2098  
 2099  
 2100  
 2101  
 2102  
 2103  
 2104  
 2105  
 2106  
 2107  
 2108  
 2109  
 2110  
 2111  
 2112  
 2113  
 2114  
 2115  
 2116  
 2117  
 2118  
 2119  
 2120  
 2121  
 2122  
 2123  
 2124  
 2125  
 2126  
 2127  
 2128  
 2129  
 2130  
 2131  
 2132  
 2133  
 2134  
 2135  
 2136  
 2137  
 2138  
 2139  
 2140  
 2141  
 2142  
 2143  
 2144  
 2145  
 2146  
 2147  
 2148  
 2149  
 2150  
 2151  
 2152  
 2153  
 2154  
 2155  
 2156  
 2157  
 2158  
 2159  
 2160  
 2161  
 2162  
 2163  
 2164  
 2165  
 2166  
 2167  
 2168  
 2169  
 2170  
 2171  
 2172  
 2173  
 2174  
 2175  
 2176  
 2177  
 2178  
 2179  
 2180  
 2181  
 2182  
 2183  
 2184  
 2185  
 2186  
 2187  
 2188  
 2189  
 2190  
 2191  
 2192  
 2193  
 2194  
 2195  
 2196  
 2197  
 2198  
 2199  
 2200  
 2201  
 2202  
 2203  
 2204  
 2205  
 2206  
 2207  
 2208  
 2209  
 2210  
 2211  
 2212  
 2213  
 2214  
 2215  
 2216  
 2217  
 2218  
 2219  
 2220  
 2221  
 2222  
 2223  
 2224  
 2225  
 2226  
 2227  
 2228  
 2229  
 2230  
 2231  
 2232  
 2233  
 2234  
 2235  
 2236  
 2237  
 2238  
 2239  
 2240  
 2241  
 2242  
 2243  
 2244  
 2245  
 2246  
 2247  
 2248  
 2249  
 2250  
 2251  
 2252  
 2253  
 2254  
 2255  
 2256  
 2257  
 2258  
 2259  
 2260  
 2261  
 2262  
 2263  
 2264  
 2265  
 2266  
 2267  
 2268  
 2269  
 2270  
 2271  
 2272  
 2273  
 2274  
 2275  
 2276  
 2277  
 2278  
 2279  
 2280  
 2281  
 2282  
 2283  
 2284  
 2285  
 2286  
 2287  
 2288  
 2289  
 2290  
 2291  
 2292  
 2293  
 2294  
 2295  
 2296  
 2297  
 2298  
 2299  
 2300  
 2301  
 2302  
 2303  
 2304  
 2305  
 2306  
 2307  
 2308  
 2309  
 2310  
 2311  
 2312  
 2313  
 2314  
 2315  
 2316  
 2317  
 2318  
 2319  
 2320  
 2321  
 2322  
 2323  
 2324

*[Faint bleed-through from the reverse side of the page]*

تو ابرقصدت  
سحر مازدیت  
مسمم  
بیمایک جملک دیک  
روزی بیک در دوا  
درین زمانه کیم کاند  
بیک بیندازند  
دور دانه  
بناشور نهید  
نمونه ام  
فایده را گویند  
مشتاق ام

بیت هر که بدید از خود بدو نشاید ز خوشی و اندر او میسر است و در

[illegible]

شکر مبرورین بی بی کجور و قنور ز شام پز و دند و حرکت آب شکر به طرب و ضحی و شام و محال

برکت ابدی هم مانده و در حقیقت این است که با او و جبرانش ازین بر و العکس هر

و نه بکتاب در این مختصر قطع خوب شد و رفت که از او و او را یاد او می فرستد خود

وحتى نزيد له مغفرة ويثوب له جنة هريور استأذنه فوجدنا في كتاب الخلد شديدا من المغفريات

و واقعہ سنی و اہل تشیع کے درمیان رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم کے حقیقی ہونے پر اتفاق ہے۔

[illegible][illegible]

لا وجه له في هذا المقام

[illegible]

وَمِنْ بَيْنِ الْمَخَارِقِ وَالْمَقْتَمَةِ وَأَرْسَتِ عَلَى وَجْهِهِ دُوسْتِغَارٌ وَخَوِيَتْ بِأَنْزِلِ















نه سروی که نامی نموده ب درخت می خورده پس از خوردن و شستن بخار می شد.

وزیران اور ملکہ: شہزادہ خسرو نے پھر سامنے نہ آئے اور پھر شہزادہ متین نے بھی زمین و آسمان پر

مذبح و عرواق است که با کندن علاج هست که باید در بر او خون زینت و شرب چینه داند

و جلا شود در ریختن و آب گرم بخورد و از سفید و یا هفت کی سرخ کند و بپزد و از شیر

وکی بفرمود که چون به خواب افتاد و بعضی در بر تن خود خلایق را بگویند و در خواب بفرمود که

مجلس و در پی سفید و چون بنزد در میب بطول عمل و بپایان رسد و در نتیجه شیر و خورای که جوشانیده باشند

مغز و لایه رو به چرم زنده و در پستی است چنانکه انداخته اند بر دود و سرش از تنهای است پنهان

و من به روحیه انشود ز هر دو دست و نون پلای از و جابت رسته و مدخ کند و عطف بنبر و



۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

[illegible]

نسخه  
مجلس  
کتابخانه  
قانون  
مجلس  
کتابخانه  
قانون

از زمان که در این کتاب  
نسخه  
مجلس  
کتابخانه  
قانون  
مجلس  
کتابخانه  
قانون

والله یا شانه الله و قد و ان ذلک سفید است و بگویند و باید که نزاع کنند و بگویند  
و بعد از موضع بگویند بعد از الله باید دریا یا باید بشود و درم رختی باشد و درم  
و درم سوزن و قبی بذر و قریب برند اما بسیار فرود بنی ند بعد از آسره را بگویند و بگویند  
شعنا و و دای الله مذکور شد بر آن بگویند نفعی کند و الله حقین ای و درم بود باشد  
بادیان روی و او آید و او بگویند و او بگویند و او بگویند و او بگویند و او بگویند  
بسیار و درم قصد آب مالند و او درم بسیار باشد و او درم کوم شده بر آن مالند  
علاج و این همه ایسی الله ضایعی باشد و بگویند و بگویند و بگویند و بگویند  
انید با آن مقصد کنند و بگویند و بگویند و بگویند و بگویند و بگویند  
ثبت نماید بگویند و بگویند و بگویند و بگویند و بگویند و بگویند  
مالند و بگویند و بگویند و بگویند و بگویند و بگویند و بگویند  
شود و بگویند و بگویند و بگویند و بگویند و بگویند و بگویند  
و بگویند و بگویند و بگویند و بگویند و بگویند و بگویند  
و بگویند و بگویند و بگویند و بگویند و بگویند و بگویند  
و بگویند و بگویند و بگویند و بگویند و بگویند و بگویند

نسخه  
مجلس  
کتابخانه  
قانون  
مجلس  
کتابخانه  
قانون  
نسخه  
مجلس  
کتابخانه  
قانون  
مجلس  
کتابخانه  
قانون





باید که در وقت آب درخت و درخت در وقت که می باشد بستاند  
باید که در وقت آب درخت و درخت در وقت که می باشد بستاند

بی آید و عله در وقت آب درخت و درخت در وقت که می باشد بستاند

انست که در وقت آب درخت و درخت در وقت که می باشد بستاند

آب بداند آب را می نهد باید که در وقت آب درخت و درخت در وقت که می باشد بستاند

باید که در وقت آب درخت و درخت در وقت که می باشد بستاند

سخن باید گفت و در وقت آب درخت و درخت در وقت که می باشد بستاند

در وقت آب درخت و درخت در وقت که می باشد بستاند

بالا نهد و در وقت آب درخت و درخت در وقت که می باشد بستاند

خود محلی می نهد و در وقت آب درخت و درخت در وقت که می باشد بستاند

دین بناید و در وقت آب درخت و درخت در وقت که می باشد بستاند

ماند بماند و در وقت آب درخت و درخت در وقت که می باشد بستاند

باشد و در وقت آب درخت و درخت در وقت که می باشد بستاند

بند و در وقت آب درخت و درخت در وقت که می باشد بستاند

علاقه است که در وقت آب درخت و درخت در وقت که می باشد بستاند

و در وقت آب درخت و درخت در وقت که می باشد بستاند

و در وقت آب درخت و درخت در وقت که می باشد بستاند



کتابخانه عمومی  
شماره ثبت کتابخانه  
تاریخ ثبت کتابخانه

محل بلی نبند و در مشربذار نه که نبوزد و بپوشد و نه در و خاستران ابار و غن میری کشند

و بآن سفیدی بخاند بر حرف می شود و این زنجیر سفیدی که در بطن آبی نان بهر رسد و

وَبِإِذِ ابْنِ إِبْرَاهِيمَ إِذْ دَعَا إِلَىٰ دَوْرَانٍ كَبِيرٍ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّي إِلَهُ دُنْيَا أَبْعِدْهُ عَنْ عِبَادِي إِنَّهُ يَفْعَلُ بِهِنَّ مَا يَشَاءُ

بدرغ و نهانی بلی شود در پیر و علما و جوانان و مشفقان و عیال و امیر

جذب بیاست که آن را مورد شوند یا باشند آنگاه زین برآوردند جدا شد بشوند

آنجا که از آنجا می‌رفتند و از آنجا که می‌رفتند و از آنجا که می‌رفتند و از آنجا که می‌رفتند

اسلامت از دست من شود سلامت و عفو از دست من عفو شود

نور محمد و سید بیگم

پہلے پہلے۔ دینی ہر دور میں لگا رہا ہے۔ شدت کو یہ نہیں دیکھتا۔

بسم الله الرحمن الرحيم و بسم الله الرحمن الرحيم و بسم الله الرحمن الرحيم



[illegible]



Handwritten notes in Urdu script, likely bleed-through from the reverse side of the page.

سببی که شوق در جگر دست و پای و بزم رسیدن به شادی در غرض است و در دنیا و سرور دنیا

شود عیال و آنکه می رسند باین دو باو غفران می شود و در صورت آن که می ماند

نشد بخشود عیال و این ملک زود بخوم و با فقره و باین روی در شیر خوار و شمشیر و شمشیر

و در تمام سببها از رویه بنزدیک می شود و از این جهت در تمام زمینها و در تمام

پاشندند و صفای فریند و زلف فریند زان بخیال و زان سحر حلالند و زین انوار و از یوسف و یوسفه هم

اسد ابرو غفر و شمع و شیرین و یکر به کر به صغری و بانفش کرم و غ و بهر سدن کن و غ

شیرین که در غایت زاری به بند سدا در حال شفق و جلد علاج و بر محبت اشیاء شفق و درسم

و نیز میباید بدو خود می دانست که آن به نفع او کند و همراه مستحق درین

و در بند دوم نیز در مقابل این دو بند، بند پنجم و ششم در باره خود نوشته

تفق در پنج ساله بر لندن و نیز در این معاهده در این وقت بکار برده شد

دریده نشود بعد از بند زدن پیله و با نشتی در زدن دروغن آن به بی کد مود و شیب و مرطوب

نموده و بر آن بدار تمام بسته شود و نیک بعد خواب - ریخته شود و میسقا و بنده

میں ہاں شادمانہ سے      دہلیاں ہلا دیں یہی اذیت تو دیو اس صفت کی ہے کہ بیکار

فصل پنجم در بیان احوال و عیال و فرزندان و خدمتگاهان

محمّد بن يوسف

19

مکتبہ اسلامیہ

۱۴۱۰

二

بسم الله الرحمن الرحيم

75

۱۰۰

تبریز

1891

1911







ناله ناله تا به نشان دندان می شود در میان بلاء و بیایی که هرگز می رسد

بهر سنانیده باشد علامت او است که زینت دست و پا او بپوشد و سنان دردم

گردد باشد و بالاد ستم و بدنام گردد باشد پس اگر چندی بماند مدتی نرم باشد نشانه ستم و بدنامی

تا بسیار فروشنده و نامی سخت باشد و فروخته شود و در سفر برسد و نشود و سخت

یاف و سنانیده تمام برسد و بر آن موضع بندد و چون نرم بشویند آنکه سخت شود و در

گردد شود و باین روش علاج می شود علاج در بین بانه بندد و بر آن ستم و بدنامی

و چون نشاند و بستم یک مالند و بر دهن زینت و جویه نمایند و ستم و بدنامی

مهره شد و بپوشانند تا آنکه خون در بدن بماند و در میان با این و آن به بندد و سخت

مقرنه و سنانیده و ستم و بدنامی و در میان بانه بندد و بر آن ستم و بدنامی

بپوشانند و سنانیده و ستم و بدنامی و در میان بانه بندد و بر آن ستم و بدنامی

سنانیده و ستم و بدنامی و در میان بانه بندد و بر آن ستم و بدنامی

ناله ناله تا به نشان دندان می شود در میان بلاء و بیایی که هرگز می رسد

بهر سنانیده باشد علامت او است که زینت دست و پا او بپوشد و سنان دردم

گردد باشد و بالاد ستم و بدنام گردد باشد پس اگر چندی بماند مدتی نرم باشد نشانه ستم و بدنامی

تا بسیار فروشنده و نامی سخت باشد و فروخته شود و در سفر برسد و نشود و سخت

یاف و سنانیده تمام برسد و بر آن موضع بندد و چون نرم بشویند آنکه سخت شود و در











از آن پس که او بن خلیج همیشه بحر حلت رسی نیز خوب است خلیج و لیر نیز هایلایر و شلت

مقتضای این است که باید و بایست که در هر مرتبه از این تئوری شود علاج دیگر مبتدیان

لله بیعتی نه در سخندان ماند و باشد بلیت بر آب دفع تر کند و بر آه زخم کند زندگیشان : حج

و متغیر است به ندرت و در دو آب که با هم نباشد آب را می شود حرفت را می شود معانی در این مختصر

چون نام کو فتنه با وسيله باشد يا چيزى بپيشت و خورد و يا شديت و قوت بر چيزى نهد باشد

منه ایست و باطن و مزاج گستر و بیوضی که در بدن شد بنیاد نیاید شود و بنیاد

پرده سوختن را اینست چنانچه در دیواره درین کرم کشند و میخافند که در دی کند و کتربه بنزد

وَمِنْهُنَّ نَذِيرٌ لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ إِذْ قَالُوا لِمُوسَى اذْهَبْ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَفَرٌ ذَٰلِمٌ فَاسْتَفْتَىٰ أَهْلَ الْمَدِينَةِ فَقَالُوا لَا تَفْعَلْ إِنَّهُ يَكْفُرُ بِالْآيَاتِ وَيَكْتُمُ الصَّالَةَ فَاذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَبِيرٌ فَاسْتَكْبَرَ فَذَاقَ عَذَابَ الْكَافِرِينَ

دیند بی که بخت اندازی - پادشاه زورم کوید شد الفت که اسبذی المله سوزن



1. *Chrysomelidae*  
 2. *Curculionidae*  
 3. *Chrysomelidae*  
 4. *Chrysomelidae*  
 5. *Chrysomelidae*  
 6. *Chrysomelidae*  
 7. *Chrysomelidae*  
 8. *Chrysomelidae*  
 9. *Chrysomelidae*  
 10. *Chrysomelidae*  
 11. *Chrysomelidae*  
 12. *Chrysomelidae*  
 13. *Chrysomelidae*  
 14. *Chrysomelidae*  
 15. *Chrysomelidae*  
 16. *Chrysomelidae*  
 17. *Chrysomelidae*  
 18. *Chrysomelidae*  
 19. *Chrysomelidae*  
 20. *Chrysomelidae*  
 21. *Chrysomelidae*  
 22. *Chrysomelidae*  
 23. *Chrysomelidae*  
 24. *Chrysomelidae*  
 25. *Chrysomelidae*  
 26. *Chrysomelidae*  
 27. *Chrysomelidae*  
 28. *Chrysomelidae*  
 29. *Chrysomelidae*  
 30. *Chrysomelidae*  
 31. *Chrysomelidae*  
 32. *Chrysomelidae*  
 33. *Chrysomelidae*  
 34. *Chrysomelidae*  
 35. *Chrysomelidae*  
 36. *Chrysomelidae*  
 37. *Chrysomelidae*  
 38. *Chrysomelidae*  
 39. *Chrysomelidae*  
 40. *Chrysomelidae*  
 41. *Chrysomelidae*  
 42. *Chrysomelidae*  
 43. *Chrysomelidae*  
 44. *Chrysomelidae*  
 45. *Chrysomelidae*  
 46. *Chrysomelidae*  
 47. *Chrysomelidae*  
 48. *Chrysomelidae*  
 49. *Chrysomelidae*  
 50. *Chrysomelidae*  
 51. *Chrysomelidae*  
 52. *Chrysomelidae*  
 53. *Chrysomelidae*  
 54. *Chrysomelidae*  
 55. *Chrysomelidae*  
 56. *Chrysomelidae*  
 57. *Chrysomelidae*  
 58. *Chrysomelidae*  
 59. *Chrysomelidae*  
 60. *Chrysomelidae*  
 61. *Chrysomelidae*  
 62. *Chrysomelidae*  
 63. *Chrysomelidae*  
 64. *Chrysomelidae*  
 65. *Chrysomelidae*  
 66. *Chrysomelidae*  
 67. *Chrysomelidae*  
 68. *Chrysomelidae*  
 69. *Chrysomelidae*  
 70. *Chrysomelidae*  
 71. *Chrysomelidae*  
 72. *Chrysomelidae*  
 73. *Chrysomelidae*  
 74. *Chrysomelidae*  
 75. *Chrysomelidae*  
 76. *Chrysomelidae*  
 77. *Chrysomelidae*  
 78. *Chrysomelidae*  
 79. *Chrysomelidae*  
 80. *Chrysomelidae*  
 81. *Chrysomelidae*  
 82. *Chrysomelidae*  
 83. *Chrysomelidae*  
 84. *Chrysomelidae*  
 85. *Chrysomelidae*  
 86. *Chrysomelidae*  
 87. *Chrysomelidae*  
 88. *Chrysomelidae*  
 89. *Chrysomelidae*  
 90. *Chrysomelidae*  
 91. *Chrysomelidae*  
 92. *Chrysomelidae*  
 93. *Chrysomelidae*  
 94. *Chrysomelidae*  
 95. *Chrysomelidae*  
 96. *Chrysomelidae*  
 97. *Chrysomelidae*  
 98. *Chrysomelidae*  
 99. *Chrysomelidae*  
 100. *Chrysomelidae*

و در جلد ششم و ششم بر موضعه دغوات آب و زلاله

که گری و حکنه بهتر رسانیده باشد و بسیار آن خار عقد نشسته باشد گویا از دود آید و بعد

وعلیه نشاء شد و ایبیب بن عده لاغر و ضعیف شد و ایبیب بن جراح گفت ای عماره

بالتاء و ر بعد ذه قل بعد التاء و التاء بائنه و يضاعف دره و زنه و صاف كند و و قى له

اگر چه در این کتاب داده باشد آن آیه را این دو وجهی در این کتاب مذکور است

اعضای آنجا که بداند که نفقه می زند و این عاقل و محبت دوی الله کند چنانچه باید باشد، نیز

ارفع است علاج و درمان است ای که هست بپاه زک الله انعم الله علیک تراست و خیر الخائضه انوار

مقاومه خوانند و بخت و بقایات یار و مغز و بدایت مسوید در دهن شیر و

وہو موضع حلقہ پانڈر تھا۔ ان موضعوں میں ایک سیاہ واپس پھرتا ہوا ہے جس کو وہ بتا رہا تھا۔

و بنویسوی موی را آن موضع پیرایه ای آید و بر آنکه شد و نرسید به بیاید و در آن

پیشانی خود را قیام برین سبب آواز و سر و دست چینی نماید. نیت می شود علاوه بر این

بِهَلْ لَهْ فَتَنَتَا. وَلَشَرُّوْلَدِي سِرِّيُو بِرُو. رَوْعَق تَرْبِ يَا اِلَهِ مَغْرِبُ فِتْنِدُو سِرِّيُو.

بهوشه حاتم الدنیلوی شود علی در این نامه از شیخ باوید و نشر و نشر شد.

تأيد و برعهه باند تيد و جي شود و عايم ريان به فضاسه كنيم منور الكواند و تيد







نه عتق متقا اخذ الیهم سنا و درین بیرونان ب فخر بقوت کشت و مریان

نشاد بشارت و ملک هوا شد ببلای دینا ای که مر مر یعنی تمامه و بگویند و میز و گند شرب

کند و بیل آدی و در خلق نه ریزد نیکای شرد و اگر در ایستادن بجز سیاه و سفید نگیرد

و انچه كه در سلسله اوقات ذكر شده و ذكر خصصين و درم اينده چنانكه

و در این راه های پست علاج و اوقات که در وقت یا سفریت کاردی بر علوم

من مد و بلند حایر و غره او در جلوت آب ریزند و کین میمند نمکند پان آب شند و آب

در ماء علكه سی لاله در هر دو نوشتن او علقی و شمر سیله ها

لازمه داشت که نوشته ی ویرانه و خسته و زرد شده و بسیار خوانده و در حین دوام

در این کتاب که در این روزگار نوشته شده است و در این روزگار نوشته شده است

روشنند که خود غایب و نوشته و عده میماند و دو می آید و بنویسد و آنرا و میماند

[illegible]



پروند و آسید ازین بکنند تا بیک شمع و اگر در حدیث است پس بپزدند بادی از عسل

اوستا باشد بر صوفی شود عین و یک چرخه بسی که دستهای او زنی تصور سازند و سازد.

ورم اوج کشاده باشد حبت الخبز و لبنی که بخت - بنفشه و سیون آنرا در آید و در بیدار و در

و بید خورشید بنی امجد آمد و جمع ملک اور بیان ملک حیدر بنی نیکو عالمیان از باب و این

می کند خنجر می شود      در بیان علاج پس که زلف و ورم درشته باشد خلاصه است

آن آفتله آن به بخوابد بعین داندی کلدی و کلدی و سرید و خشمی کلدی

باشد و باین شکر بر آید باشد و کذا ذکر آن است و در وقت قدسه باشد و اینقدر

که بنیاد شد در آن یک باشد. و خود بعد علیج ای پی که ذکر نمود و رشت باشد است

که در عزت و بزرگواری نام مخیر کند و بجهت ما و بر ذریه ما آب بگفتند و روزی که

تلك صورة علاج ايبي انما هو شرابا شاد انتسالة فيرج اندا ليركه بشو يده و نبات باد

هفت و نه مکر و نشویند تا الله باعث فرج آب یابد و همه اجزای باز فرموده است و در

اولاً کند و عطف نحو بدو و در سینه و در دست و در کف است و این را شلفه می نامند

*[Faint handwritten text at the bottom of the page]*

نفس که چون دست و پای آن بربوب و بنوع زندانی میسر و پیش و خون بدایند و در آن قرار آن

نست که اند که خون آن آید و شود و این آب را بر روی جگر کند و یک شل آب را با

در آن جوئیده باشد علق آن بزند و یک نشانه روزه علق پاوند خند و سیمکه و شراب

روز غارت از انهریک دورهای و نشاء سریع پنج مثقال با یک کبر مجزئ سازند و روز دوم

در جواب این تذکره کوفه و شد و از کجی نیتی این استخفاف است شود باین مدی به شرح

فما تجدنا في استعجاب من غيرنا انك لم تجز وبل رطل قنار سرح وملك وقيمه في حطيه ستواين

والتسليمية، ارشاد یعنی تسلیم نمودن و قیود را بخواهی پسند و باره تخم کنند بایک

بدرمید و از آن لطف آید و هر چند سر یک آن را با یکدیگر ترا می کنند آنرا بدست

نهاده می شود علیهم ویکم الله جمیع اعمالی آن آب برود غدا و روزی و سغندی به آب نشاند

باند و غن واد که اختلاص بدش و باشد و کمی آب میری باشد که صمد بنان و در کو

آن سب زیند و افسار نه میان پیوسته کرده بگذشت و قادران معانی که می باشد و بگرد و در اینجا

بعد از این که تمام شد آن آب پخته را می شود عصاره را بی آنکه

پیشانی باشد نه زان قبضه خبرنامه باشد یا نه و لغت باشد یا دی

در ستونهای اول و آخر، شش به شش، با انگشت بیست و نهم در جای که علامت  $\pi$  به سادگی ظاهر شود





[illegible]

هرم ساخته اند و به بندند می شود عین ریزه چوبه چوبی که در فم سینه است و در فم

سپید باشد و فرو رفتن باشد و علیل و نبض خفیف و پوست آراسته بین هم و دست و پا

توفیق و زحمات آن پیر صلحت و جیرتی بر بالای زخم انداخت و علم است و یکتا انداخت

آنجا از هزاران غم بیدار می باید کرده و بماند آب گرم زخم را باید شست بعد از شستن

نور دیده بستم غم نهادن میسر نمی شود علی و پدر حمیده زخمی اسبی لهه نیست زخم او در دوات

در بیان جمع شده باشند که اولی آنکه از پوست بزغاله سخنا تر شد و یا شاد و زنده

فقد رآه نوت مرید - یکنه از آن هم بعد از آن، معانیهای آن را نوشت بدین آواز در اسلحه خود

البحر والى سفيد بابه زمره رسد بستانه اشياء و در اجوش بعضى منقش و در غير

هنگامی که پادشاه در آنجا رسید و در آنجا رسید و در آنجا رسید

1998, 1999, 2000, 2001, 2002, 2003, 2004, 2005, 2006, 2007, 2008, 2009, 2010, 2011, 2012, 2013, 2014, 2015, 2016, 2017, 2018, 2019, 2020, 2021, 2022, 2023, 2024, 2025, 2026, 2027, 2028, 2029, 2030, 2031, 2032, 2033, 2034, 2035, 2036, 2037, 2038, 2039, 2040, 2041, 2042, 2043, 2044, 2045, 2046, 2047, 2048, 2049, 2050, 2051, 2052, 2053, 2054, 2055, 2056, 2057, 2058, 2059, 2060, 2061, 2062, 2063, 2064, 2065, 2066, 2067, 2068, 2069, 2070, 2071, 2072, 2073, 2074, 2075, 2076, 2077, 2078, 2079, 2080, 2081, 2082, 2083, 2084, 2085, 2086, 2087, 2088, 2089, 2090, 2091, 2092, 2093, 2094, 2095, 2096, 2097, 2098, 2099, 2100, 2101, 2102, 2103, 2104, 2105, 2106, 2107, 2108, 2109, 2110, 2111, 2112, 2113, 2114, 2115, 2116, 2117, 2118, 2119, 2120, 2121, 2122, 2123, 2124, 2125, 2126, 2127, 2128, 2129, 2130, 2131, 2132, 2133, 2134, 2135, 2136, 2137, 2138, 2139, 2140, 2141, 2142, 2143, 2144, 2145, 2146, 2147, 2148, 2149, 2150, 2151, 2152, 2153, 2154, 2155, 2156, 2157, 2158, 2159, 2160, 2161, 2162, 2163, 2164, 2165, 2166, 2167, 2168, 2169, 2170, 2171, 2172, 2173, 2174, 2175, 2176, 2177, 2178, 2179, 2180, 2181, 2182, 2183, 2184, 2185, 2186, 2187, 2188, 2189, 2190, 2191, 2192, 2193, 2194, 2195, 2196, 2197, 2198, 2199, 2200, 2201, 2202, 2203, 2204, 2205, 2206, 2207, 2208, 2209, 2210, 2211, 2212, 2213, 2214, 2215, 2216, 2217, 2218, 2219, 2220, 2221, 2222, 2223, 2224, 2225, 2226, 2227, 2228, 2229, 2230, 2231, 2232, 2233, 2234, 2235, 2236, 2237, 2238, 2239, 2240, 2241, 2242, 2243, 2244, 2245, 2246, 2247, 2248, 2249, 2250, 2251, 2252, 2253, 2254, 2255, 2256, 2257, 2258, 2259, 2260, 2261, 2262, 2263, 2264, 2265, 2266, 2267, 2268, 2269, 2270, 2271, 2272, 2273, 2274, 2275, 2276, 2277, 2278, 2279, 2280, 2281, 2282, 2283, 2284, 2285, 2286, 2287, 2288, 2289, 2290, 2291, 2292, 2293, 2294, 2295, 2296, 2297, 2298, 2299, 2300, 2301, 2302, 2303, 2304, 2305, 2306, 2307, 2308, 2309, 2310, 2311, 2312, 2313, 2314, 2315, 2316, 2317, 2318, 2319, 2320, 2321, 2322, 2323, 2324, 2325, 2326, 2327, 2328, 2329, 2330, 2331, 2332, 2333, 2334, 2335, 2336, 2337, 2338, 2339, 2340, 2341, 2342, 2343, 2344, 2345, 2346, 2347, 2348, 2349, 2350, 2351, 2352, 2353, 2354, 2355, 2356, 2357, 2358, 2359, 2360, 2361, 2362, 2363, 2364, 2365, 2366, 2367, 2368, 2369, 2370, 2371, 2372, 2373, 2374, 2375, 2376, 2377, 2378, 2379, 2380, 2381, 2382, 2383, 2384, 2385, 2386, 2387, 2388, 2389, 2390, 2391, 2392, 2393, 2394, 2395, 2396, 2397, 2398, 2399, 2400, 2401, 2402, 2403, 2404, 2405, 2406, 2407, 2408, 2409, 2410, 2411, 2412, 2413, 2414, 2415, 2416, 2417, 2418, 2419, 2420, 2421, 2422, 2423, 2424, 2425, 2426, 2427, 2428, 2429, 2430, 2431, 2432, 2433, 2434, 2435, 2436, 2437, 2438, 2439, 2440, 2441, 2442, 2443, 2444, 2445, 2446, 2447, 2448, 2449, 2450, 2451, 2452, 2453, 2454, 2455, 2456, 2457, 2458, 2459, 2460, 2461, 2462, 2463, 2464, 2465, 2466, 2467, 2468, 2469, 2470, 2471, 2472, 2473, 2474, 2475, 2476, 2477, 2478, 2479, 2480, 2481, 2482, 2483, 2484, 2485, 2486, 2487, 2488, 2489, 2490, 2491, 2492, 2493, 2494, 2495, 2496, 2497, 2498, 2499, 2500, 2501, 2502, 2503, 2504, 2505, 2506, 2507, 2508, 2509, 2510, 2511, 2512, 2513, 2514, 2515, 2516, 2517, 2518, 2519, 2520, 2521, 2522, 2523, 2524, 2525, 2526, 2527, 2528, 2529, 2530, 2531, 2532, 2533, 2534, 2535, 2536, 2537, 2538, 2539, 2540, 2541, 2542, 2543, 2544, 2545, 2546, 2547, 2548, 2549, 2550, 2551, 2552, 2553, 2554, 2555, 2556, 2557, 2558, 2559, 2560, 2561, 2562, 2563, 2564, 2565, 2566, 2567, 2568, 2569, 2570, 2571, 2572, 2573, 2574, 2575, 2576, 2577, 2578, 2579, 2580, 2581, 2582, 2583, 2584, 2585, 2586, 2587, 2588, 2589, 2590, 2591, 2592, 2593, 2594, 2595, 2596, 2597, 2598, 2599, 2600, 2601, 2602, 2603, 2604, 2605, 2606, 2607, 2608, 2609, 2610, 2611, 2612, 2613, 2614, 2615, 2616, 2617, 2618, 2619, 2620, 2621, 2622, 2623, 2624, 2625, 2626, 2627, 2628, 2629, 2630, 2631, 2632, 2633, 2634, 2635, 2636, 2637, 2638, 2639, 2640, 2641, 2642, 2643, 2644, 2645, 2646, 2647, 2648, 2649, 2650, 2651, 2652, 2653, 2654, 2655, 2656, 2657, 2658, 2659, 2660, 2661, 2662, 2663, 2664, 2665, 2666, 2667, 2668, 2669, 2670, 2671, 2672, 2673, 2674, 2675, 2676, 2677, 2678, 2679, 26

*(continued)*







[illegible]

اسپی به نیت او بد اسطه سواری ورم ارد باشد اهل حریف نشند نداله سواری نماید  
در مقام سواری سخت نیک را می دارد و در مورد و نیک راه آله سواری نماید باشد از نیت لب  
بزیار آید و به اولت و در از نیت آید و به نیت آید و به نیت آید و به نیت آید  
و زین و حرکت دهند آنگاه شک نیت بلیدند تا آنگاه بسا تا نماید و وقتی نیت  
رستند که نیت آید و نیت آید و نیت آید و نیت آید و نیت آید و نیت آید  
نیت آید و نیت آید و نیت آید و نیت آید و نیت آید و نیت آید  
نیت آید و نیت آید و نیت آید و نیت آید و نیت آید و نیت آید

[illegible]

در بیان غیب پس که علت توحید دشت باشد بالله و تعالی

پیشروند مذہبند - 'حاج حضرت احمد' نامہ در شکر جیدہ، بیہی کرم و علما و دینداران

شده است خلیج و آنست که بعد از گذر در مدی من تراب گشته چنانکه در این بیان

روز یکشنبه از آن در هر وقت صدوقیه بخورد پس بماند نیک می شود عیان و برادر

وینا زده هر یک از اینها را بیکدیگر میزنند و در حلق میزنند و این نشانه

روز با علف ندهند آنجا در بیش و علف نچید بزدند تا بچند آنجا و درون شیرین بچو تا

کف بلند در حلق آید بربند و اول وقت نه باشد لیکن شریک دانسته و آب بعد از آن

ساعت بیان بداند و در وقت مین بخورد و دهنا و جوی که در شیه و حذر خینا بنده

آتش بخورده اند و در عهد که حضرت شیخ بن علی متوفی  
در بیان علاج

در دهره بصره دانسته باش علامت و نشانه آیه در برابر سر از دماغ و آید که گوید یا لعن

منه فخره وعلمه لا يستمدد أبداً ولا يشاء علاج الفتنة من رغبة الخضر و

و نه تنها بگویند و بگویند که این دنیا ملک می شود و عیال و دین را بگذارد و در پای و مثال است

نقشید بازه نشان سرخ شمره در نوبه خاندان سیدی بیابان در میان خاندان سیدی بیابان

تجربہ در حقیق تو رین نادر و بیاضه دلی بدو بر زبان خوار له آ، کچھ پرے سے لکھا گیا ہے۔







وَمَا تَنْتَظِرُ إِلَّا الْعَذَابَ

علامت او نسبت به شاهر و ایا المومنان شاهر و بول و بدستش در ۱۹۰۵ و خیرید این زمین اندازه

وهمزة نون على ياء ياء بيوت وكج شود عین و است لله و یا ابد و یا ابد

نمونه ویت نامینو خند و یاره آید جمع و یلیتقال قلم صاف بیلدیلر خنوج نایب و صاف

نماید. شاه به استیذان منتهی در این مقام فرمود: عطف خداوند علی و اهل بیتش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خفند و این را می بینند و میگویند و یاد آن را جو و میگویند که شما را میگویند و میگویند

درین حالت، نیازی نیست که در این مونیته تخریبی و منهدم کننده وارد شود و باید به جای آن





بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
الذي كنا لنهتدي لہ  
ولا ندرک ما کان  
لنا من ربنا من  
غفر لنا ذنوبنا  
وآخرا

و در ده رطل آب میجوشانند که چهار لیوان بنامد بعد از آن که در مسق و در بنده نیک شود

علاء دین محمد بنی المصطفیٰ شانه اصفیاء برودت جیعت نوشته باشد زیر بغل و شام

و کوشمهای و راجو . ایام کسب علم و بهر وقت متخیر نماند و او آنست که چشمتان در پیشگاه

و گوشه‌های خرد را زان کند و نیم روز جوانی را بدرست و نگاه و عفت را و می‌باید در شریک

افضل من انشاء الله تعالى في كل يوم

بیت دو عالم اید و دنیا که شود عیان درین صوفیه جامع و صوفیه شرح و بیان خود

*[Faint handwritten notes at the bottom of the page]*



18







المردود واقع است  
الشيخ  
بالتقريب  
لأنه لا يمكن  
من أن يكون  
موجوداً في  
زمان واحد  
في مكانين  
متباعدين

دست چهار و در حال نشستن و بچند و تیر باد بیاورد بموت نماید و در حال ایستاده تا به پنج روز  
نمود و بعد از آن نماید و در حوض سپید نهد و نیت می شود و می تواند از این خلاصی یابد و از

در بیان عین ایمنی است

بمنه سائیده باشد غلامت را بکشد به صیقل و نازک شود و عاف شود بدست و دردم

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم آية للذين آمنوا ولعل لغيرهم عبرة

نموده اند و متاع و مهور و عیون نداده اند و عیون باز بدینند و باز در جو حین قتل و مجروح و ب

نمید و بزرگوار و مدبرند که در این همه حد و دفعه تمام می ندارد و شایسته و موی و در این همه

ششم به روز شنبه در روز بیستم از شهر کابل



بسم الله الرحمن الرحيم



[illegible]

کند و بدین نوعی در دورد و پند قنور بیدار بر بیوه عزیمت کند و در سوره پند پند  
 نیمی شود و هر کسی که با خلق و چاروش باشد یا نه خود بود و مخصوص اگر به روش  
 و مذهب و ادب و اخلاق است که خود را سلف از دفعه نیا و از هر پند و در حق و درین  
 نیک شود و اخلاق را برین پند باید از هر چه با جمیع است و در جلد از نیک و استعداد نیک  
 می شود و شایسته و پند و چاروش بر هر چه

می شود و شایسته و با قدر و با مروت و با برادر  
در پند و خواجه پیر الی...





[illegible]

ممنوع نند و در خفته کشد و پنج روز در چشمه بماند تا که به جگر و شکم صفای او تقدیر شود

سِلْدیں برختہ سب بندند و دیو زخمیہ بردند و خوقہ دیو بان بایں اروہی المودہ نور برشت

بگذرند نیکی نشود و کوشمندی در برافتن و چیرد کنند و لعن و اذیر کوشمندی درین تدبیر

و اما در سفیدی و زایل شدن دندانها و بوی نامطبوع دهان و جگر و کبد و

قتل الملوك من قبله وروى في يومه كذا وروى في يومه كذا وروى في يومه كذا

راحمہ بن ابی بلتعبر و یزید کلاؤز جو ویدلادیٹ مسعود و کور محمد بن ابی

جوزة الملك راجع من سائر اعداءه وممن قد سلبه من دونه وخير وملك الحريه فتمت

مقدّمیله در پیشه این نیک و باد و مقدّم علی لیرتند و در حقیقت آب کشند و آخذ

وید میانه و سفیدی چشم اسب را بر طرف نماید و اگر ناخن در چشم اسب متعاقباً یا تا سالی یکبار

باز و غریب را خست فراید و در جیغ آب گشتند نیلای خرد و در جیغی بر جیغ آب سنده

باشد از لکهای ختم با سرخ نشود و شد از چینه های سفید با این ناله مرئی از آب و در

بیت متقارن بودین متقارن شایسته و این مقال فک صاف را حداف با بر و هر دو تند چشم

نیانج شود و یکی است تخم شتر مرغ و با وقت تخم اردک در نیمه سار و زرد بجز نه عید

کنتقال و لیطسوج منتك و نذالایه غورن جت بند ور میخیم ای کشند تیک ی شود میریت

فعل بفضايت مجرب و غدير است خايخ ريد و غريمك ربايانه نشان و فسايد و اخلاص و

لمن دور جبر است که نیایی شود علی یک یک انتقال موزون را و یک انتقال را میزد و

تشیب و تنقار کا فائدہ مثلاً اگر قتل یا سب یا بربادی وغیرہ ہو تو یہ سب

تر خلع و علقه و فدا و بید و بر غسل نمید و کند و در حیرت است و می شود و این

غدا خطبه امی نیز رافع است عیال و برادر است در ای رایشاید و نیم روزه است در روضه

در حدیث شریف روایت شده که هر روز یک بار بایستد و با عمل یازده مرتبه بخواند و اینست

نیای شود و افسیدی چشم خمار، خوار شتری مقدور نه نماید در خمار، نشاء به

یو بدو بسانه نور چشمه ب رین نور از صبح بخندد و غو گو کند ضعیفی شود و باریک

له ریشو ویر جرت و نیمه ز سید شادریا تبیه دانستریا شد و این در ۱۰۹۰ هجری قمری



۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

تا باده عارف آفتاب بلند شود غلاف آفتاب و بدین بوز آفتاب غمت بوز مهر و روزیم چنانچه  
حق را مبرود در آرد چنان آفتاب آید و نیل و می شود خورشید و این چنانچه آفتاب آید و نیل و می شود خورشید

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

نیده معینت را از باین طریق راوی می شود و چند روزی بچین کشد و آب می کشد و نیده







دو موقت بنامت شالیه در میان این چهار درخت قرار می دهد و در میان این دو موقت

معانی معروف است بحدیث الله عز وجل ربنا ورب العالمین  
در مقام اول قلم امین

لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۚ وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

و می تواند باشد که بتواند بداند و بداند و بداند که غناه را بشناسد و بداند

مکار و اندیشه کند: پس از او به تعلیم راه رفتن ملایم کند و دستهای تقدیم میبندد

نه زنی میزند و این تعلیم و گفتار خود را پسند مستغنیست روزی که خدمت پادشاه و هر روز

در وقتی که استواران میلا میزدند و میخواندند که ای کاش در این وقت

شتم است اولیای الهی که تعلیم میسر شد و در راه حق راه یافتند و در مقام انوار

سازمان امور سرحد و دیوار - سازمان بهمن و آت معروف - سازمان بهمن و آت معروف

...موسى بن عبد الله بن يوسف بن ...

و بعد از آنکه به بیایک شهر جهنم رسیدند و گفتند که این شهر را چه نام دارند



اور و نهی خود بر دین هم آید و سخت بجنب آمدن الله لعن ب و دست یاری و بستانند  
 در نه روز و نوبت آنگاه باز پس راند اسب و بعد از آن چنان کند که در ده روز و یاد اب دهند  
 که در پس رفتن نیز هر وقت که خواهد باید با ائمه غناء را کنند بختی که بای خود  
 از پس کشد و زیاده باشد در شایسته تعلیم اب حال کردن از نرم رفتن بدویدن  
 می باید که اب را بنویسد و در میان رزم کند که هر وقت خواست ملازم رود و هر وقت که  
 خواهد بدو آید بدو و در در حالت دویدن خواهند که ملازم رود و هرگاه بخواهد با کسی  
 بنشیند و چنان تعلیم کند که در راه او می باشد و بفرماید در شایسته رفتن بجهان  
 نرم رفتن و در این می باید که اب را از این وقت یاد دهند که از نرم رفتن یاد بیاورد و بدوید  
 و چنان بنشیند که در هر یک چه حد بقدری راند که چون آید که در بدوید می رسد بجهان  
 یاد دهند و در راه از آن قسما نشود و بهترین را به ضمای اب است که هرگاه خواهند  
 که اب با استیلا که غنائی بود می باشد باید در شایسته رفتن  
 اسب بدو که هرگاه به انعام راه رفتن یاد دهند از نرم رفتن و اگر یاد دهند و بیاندازند و در  
 پس می باید که چنان بنشیند که او را در حد و یک هفته بنشیند و در یک ماه از راه رفتن در  
 با و تعلیم کند که در راه با او بنشیند و در یک ماه بنشیند و در یک ماه بنشیند

در نه روز و نوبت آنگاه باز پس راند اسب و بعد از آن چنان کند که در ده روز و یاد اب دهند  
 که در پس رفتن نیز هر وقت که خواهد باید با ائمه غناء را کنند بختی که بای خود  
 از پس کشد و زیاده باشد در شایسته تعلیم اب حال کردن از نرم رفتن بدویدن  
 می باید که اب را بنویسد و در میان رزم کند که هر وقت خواست ملازم رود و هر وقت که  
 خواهد بدو آید بدو و در در حالت دویدن خواهند که ملازم رود و هرگاه بخواهد با کسی  
 بنشیند و چنان تعلیم کند که در راه او می باشد و بفرماید در شایسته رفتن بجهان  
 نرم رفتن و در این می باید که اب را از این وقت یاد دهند که از نرم رفتن یاد بیاورد و بدوید  
 و چنان بنشیند که در هر یک چه حد بقدری راند که چون آید که در بدوید می رسد بجهان  
 یاد دهند و در راه از آن قسما نشود و بهترین را به ضمای اب است که هرگاه خواهند  
 که اب با استیلا که غنائی بود می باشد باید در شایسته رفتن  
 اسب بدو که هرگاه به انعام راه رفتن یاد دهند از نرم رفتن و اگر یاد دهند و بیاندازند و در  
 پس می باید که چنان بنشیند که او را در حد و یک هفته بنشیند و در یک ماه از راه رفتن در  
 با و تعلیم کند که در راه با او بنشیند و در یک ماه بنشیند و در یک ماه بنشیند



Handwritten text, likely bleed-through from the reverse side of the page. The text is illegible due to fading and the quality of the scan.

ما يكثر  
فمنه  
هو السهو

صا

الن

فَقِيلَ لَهُمَا  
وَأَمْسَوْا فَيَتَبَايَعَا  
أَهْلَ مَاءِ سَعْدٍ

در اردن و ن  
طون و ا  
دم بک مال





This image shows a blank, aged, cream-colored page, likely an endpaper or flyleaf of a book. The paper has a slightly grainy texture and is covered with numerous small, dark brown spots, characteristic of foxing. There are also some faint, larger smudges and discolorations, particularly along the right edge and bottom. The overall appearance is that of an old, well-preserved but slightly worn piece of paper.

This image shows a blank, aged, cream-colored page, likely an endpaper or flyleaf of a book. The paper has a slightly textured appearance with numerous small dark spots, possibly foxing or dirt, scattered across its surface. There are also faint, irregular smudges and discolorations, particularly towards the bottom and right edges. The left edge of the page shows the binding area, with the inner hinge visible. The overall tone is a warm, off-white or light beige.

This image shows a blank, aged, cream-colored page, likely an endpaper or flyleaf of a book. The paper has a slightly textured appearance with numerous small dark spots, possibly foxing or dirt, scattered across its surface. There are also some faint smudges and discolorations. The left edge of the page shows the binding of the book.

This image shows a blank, aged, cream-colored page, likely an endpaper or flyleaf of a book. The paper has a slightly textured appearance with numerous small dark spots, possibly foxing or dirt, scattered across its surface. There are also some faint smudges and discolorations. The left edge of the page shows the binding of the book.

1900









مجلس ۱۰۰



*[The page contains dense handwritten Persian medical notes written diagonally across the main text area.]*

دانشاتن جیدای ایب الخوری

شاهدی بسیار یافتیم و این طریق بکند و آنچه در او جمع باشد آنرا زیاد کند کم نیست

بیدار گشت نهال باغی ز دیلدار مید بشاور میسند که نمید بت کدسته و اگر خوشی بود

بر دست تو نیست و نه گریست و اگر خودی ندیدی که به دولت زلف تو دست چه خون برورد

رست بنده می آید در این مقام و معرجه بخالد و اندر بی لای و در وقت ظهور تمدنی که از هر دو

و از مکتب دست راستی بنویسند و خط عیب ندارد و از دست چپ بنویسند عیب است

درست و فواید اینست معلوم نماید که برای جیب - مقدمه بر برای راست می گذارد و باید دانست که تا

دندون مرئی و چوبنظر و دندانهای استخوانی که مور باشد بلند و پست باشد و

مطالع نمید

در بیان شناختن بی که ملائمت اندیشه باشد که پدید آید

دستبردارانند بلائله اگر بکف آب یا بنهر یا بر میدان و در میان نه عباد و نه ازاره

*[Faint handwritten notes at the bottom of the page]*





Handwritten text in Urdu script, likely bleed-through from the reverse side of the page. The text is illegible due to the quality of the scan and the nature of the bleed-through.

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

قوت دل سوری شود و دلخیزان همه فریبند می شود که با هم از یاد همه دستاورد و دلخیز

نه سدا همور و از بر هضمه شاد و زاری بی هیچ سیاست که از چشم می شود و در بین می

و نه فاشه اند به هم و اینست که در یاد و درین به هم بوده و سخن کس نبوده اند که هفت شمر

به ستان و این از حدیث آمده است و در حدیث آمده است که این چنینند و در سواد

نشود که اینها به هم باشند و این حدیث است که در حدیث آمده است که اینها به هم

نشان و اینها به هم باشند و این حدیث است که در حدیث آمده است که اینها به هم

نشان و اینها به هم باشند و این حدیث است که در حدیث آمده است که اینها به هم

نشان و اینها به هم باشند و این حدیث است که در حدیث آمده است که اینها به هم

نشان و اینها به هم باشند و این حدیث است که در حدیث آمده است که اینها به هم

نشان و اینها به هم باشند و این حدیث است که در حدیث آمده است که اینها به هم

نشان و اینها به هم باشند و این حدیث است که در حدیث آمده است که اینها به هم

نشان و اینها به هم باشند و این حدیث است که در حدیث آمده است که اینها به هم

نشان و اینها به هم باشند و این حدیث است که در حدیث آمده است که اینها به هم

نشان و اینها به هم باشند و این حدیث است که در حدیث آمده است که اینها به هم

نشان و اینها به هم باشند و این حدیث است که در حدیث آمده است که اینها به هم







[illegible]

بیاضی و جود و داخل خاند شود بداند و حق تعالی که یابد که بنزد و نفسی حق را  
 حق است بر من که تر تعظیم آنرا پس تحقیق که نیست خوردن بر تو و جیب خود را و  
 شفعه کند آید و بداند که خود که هر که خودی شفاعت کنی و من شادان و مودت  
 نه نیست و در حدیثی این منقول است از حضرت رسول خدا که هر که در حق رود زیارت  
 ملحق خود از بزرگ و است بزرگ می آید و بر کند و بنزد خود خواهد شد و آدمی صفت را بداند  
 و خوش شود از نامه ای از فضل هر گناه و باید شود از بزرگ و در هر صفت و هر چه می  
 در زیارت می شود و در فضیلت بسیار و احادیث در فضل زیارت می شود  
 بل شایسته است از آنکه منقول است در وسایل المشیقه که از شداد و علم می آید به اقرام بقای  
 از شیعیان در بیقیه ایست از بزرگ و بر آید و گفتند المشیقه را در هر چه می شود و حدیث  
 وَ السُّلُوكُ حَسَنٌ وَ مِنْ لَدُنْهُمْ وَ امَّاكُنْ اَيُّكُمْ مِنْ رُحْمِكَ وَ حَمْرٌ كَيْسَفِي بِنَا  
 عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سَوَّلَ وَ الْحَمْدُ لِمَنْ كَانَ بِتَوَلَّاهُ لَيْسَ مَشَقَّةً نَدْبَتُ اَنْ اَنْتَ اَهْ فَوَ كَدَ  
 و شیخ موسی در تفسیر حدیثی نقل کرده در آنحضرت امام رضا که هر که برود زیارت  
 برادرش و برادرش را از هر جانب که خواهد دست بر او گذارد و هفت نوبت بگوید انا  
 ان شاء الله می تواند حق تعالی او را امیر سلیمان از فرخ روزیاست و می بیند که بگوید  
 و در بیقیه ای که بر من سر نوبت است که از آنکه بگوید و در هر چه می شود که از آنکه



در این حدیثی تو دیر در کار تو سال و پند تا تو می نویسی و بپند تا تو می نویسی  
 بهشت و زرد کردیدم تر از عقیق خود بپند و در متر ز شش و ملک گفت که خود تو  
 بیشتر و بدی و عرقیات که زیارت میانی و زیارت کرده مرز زیارت کرده و تو  
 بهیست و در حدیث دیر میشت است انحضرت از محضر صادق علیه السلام که زیارت  
 برادر میشت از بری خاری توی با و خطاب میکند که من زیارت کردی و تو زیارت  
 بر منست و رختی نمی شوم از بری تو نوی بویان بهشت و در حدیث دیر میشت  
 از حضرت صادق علیه السلام زیارت که بر سر من میشت از بری خاری خود تو بعد میشت  
 با او که تو میشت از دوز بر من لازم است با او میشت از بری تو که تو میشت و بر سر من  
 از بری تو میشت از بس دمی تو و در حدیث دیر میشت از بری تو که تو میشت  
 با او که تو میشت از بری تو میشت از بری تو میشت از بری تو میشت از بری تو میشت  
 خود در دوز می میزد و بال دیکر در میان و بر سر من میشت از بری تو که تو میشت  
 بر دمی تو میشت از بری تو میشت از بری تو میشت از بری تو میشت از بری تو میشت  
 و بهیست از بری تو میشت از بری تو میشت از بری تو میشت از بری تو میشت از بری تو میشت  
 که تا تو میشت از بری تو میشت از بری تو میشت از بری تو میشت از بری تو میشت  
 میزد و در دوز می میزد و بال دیکر در میان و بر سر من میشت از بری تو که تو میشت

این حدیثی که در این حدیثی تو دیر در کار تو سال و پند تا تو می نویسی و بپند تا تو می نویسی  
 بهشت و زرد کردیدم تر از عقیق خود بپند و در متر ز شش و ملک گفت که خود تو  
 بیشتر و بدی و عرقیات که زیارت میانی و زیارت کرده مرز زیارت کرده و تو  
 بهیست و در حدیث دیر میشت است انحضرت از محضر صادق علیه السلام که زیارت  
 برادر میشت از بری خاری توی با و خطاب میکند که من زیارت کردی و تو زیارت  
 بر منست و رختی نمی شوم از بری تو نوی بویان بهشت و در حدیث دیر میشت  
 از حضرت صادق علیه السلام زیارت که بر سر من میشت از بری خاری خود تو بعد میشت  
 با او که تو میشت از دوز بر من لازم است با او میشت از بری تو که تو میشت و بر سر من  
 از بری تو میشت از بس دمی تو و در حدیث دیر میشت از بری تو که تو میشت  
 با او که تو میشت از بری تو میشت از بری تو میشت از بری تو میشت از بری تو میشت  
 خود در دوز می میزد و بال دیکر در میان و بر سر من میشت از بری تو که تو میشت  
 بر دمی تو میشت از بری تو میشت از بری تو میشت از بری تو میشت از بری تو میشت  
 و بهیست از بری تو میشت از بری تو میشت از بری تو میشت از بری تو میشت از بری تو میشت  
 که تا تو میشت از بری تو میشت از بری تو میشت از بری تو میشت از بری تو میشت  
 میزد و در دوز می میزد و بال دیکر در میان و بر سر من میشت از بری تو که تو میشت

هم از شرف نام عیسی نقل می یابند که فرمودند آن حضرت که هر که زیارت کند و  
بوی من از برای خدا و قصدش عینی رضای خدا باشد و مقصودش تقوی باشد و خدای تعالی  
و عنده بهشت باشد موکل گردد بر حق تعالی و بخدا و خداوند خدای تعالی و حق  
التم از خود بپوشد می آید آنوقت که می رسد به نزد او بر او در می آید و او را خوشامد  
تو فوراً به بر تو بهشت و عیال کردی انبری خود من لحظه بهشت و باز در کتاب  
مذکور مسطور است آنحضرت امام محمد باقر علیهما السلام که خداوند عالمیان را حسنه است  
که داخل آن حسنه می شود ملک هر کس یکی اگر حکم بر نفس خود کند یعنی اخصاف و در  
اگر حق را باشد و دیگری کند زیارت کند برادر مؤمنی را و یکی کند در ده ضروری  
بر خود اختیار کند و ایضا در حدیث دیگر منقول است که هر که نتواند در روز قیامت  
با ما باشد صلوات کند بر خیر و شکر و و کسی که نتواند زیارت کند قبول ما باشد که زیارت  
در بعضی از برادران ما را که هر که چیزی که زیارت کرد یا عازر زیارت کرده است و ایضا در حدیث  
دیگر در همان کتاب از حضرت معصومه سلامتی بر او است که فرمودند که حدیثی از امام جعفر علی  
که حق تعالی ما را کرد برادر ملک می آید و می رسد و زیارت را رسید برادر خانه که مردی  
است و بود و از آن محض است از حدیثی که پیوسته است که گفت با آن مرد که چه ایستاده است  
این خانم گفت بنده را رسانیدم این را از آن مرد که در زیارت کردم از برای شما که ایستاده است  
در این روز که گفت که عینی به من رسانید و این مرد است که زیارت با او که ایستاده است و این





در وقت نماز

در وقت

در وقت

در وقت

در وقت

در وقت

در وقت

در وقت

در وقت

در وقت

در وقت

در وقت

در وقت

در وقت

در وقت

در وقت

در وقت

در وقت

در وقت

مند جبیل است در وقت که گفت آن ترتیب را نمود بحضرت رسول خدا  
ترتیب نهند حیی که است در وقت که گفت آن ترتیب را نمود بحضرت رسول خدا  
ترتیب را انجیل و صلی الله علیه و آله است در وقت که گفت آن ترتیب را نمود بحضرت رسول خدا  
در وقت که گفت آن ترتیب را نمود بحضرت رسول خدا  
مهند نمود مگر که است در وقت که گفت آن ترتیب را نمود بحضرت رسول خدا  
بگو عبادی ترتیب الله عز وجل را بخوانید و بگو عبادی ترتیب الله عز وجل را بخوانید  
اخذوا خیر زلیا اخافوا لا اخافوا پس در وقت که گفت آن ترتیب را نمود بحضرت رسول خدا  
که باشد خود از آن بنویس و خود را می آن مرد گفت چنین کرده که حضرت تعلیم می  
کرد و بود این شدم از خوف از جنت می که می شنید و از انهای که می شنید می شنید  
می شنید که می شنید که می شنید که می شنید که می شنید که می شنید که می شنید که می شنید  
آن ترتیب را بگو آن ترتیب را بگو آن ترتیب را بگو آن ترتیب را بگو آن ترتیب را بگو آن ترتیب را بگو آن ترتیب را بگو  
و بگو عبادی ترتیب الله عز وجل را بخوانید و بگو عبادی ترتیب الله عز وجل را بخوانید  
در وقت که گفت آن ترتیب را نمود بحضرت رسول خدا  
فرمودند که ترتیب حضرت امام حیی شفاست زهر در وقت که گفت آن ترتیب را نمود بحضرت رسول خدا  
در وقت که گفت آن ترتیب را نمود بحضرت رسول خدا



خداوند

مهم است که در این باره تحقیق شود.

باب بیستم در بیان

مکتبہ اسلامیہ

در زخم و جراحت

فصل در بیان سبب و اثر

و بهر شایسته که از این مکتب  
خبر می رسد

وہم و ہم و ہم

بسم الله الرحمن الرحيم

نور محمد

*[Faint handwritten notes or bleed-through from the reverse side of the page.]*

10

[illegible]



خوردی زدن بنوا بیا همه دخل داشت و به بنزیریه چیشو مت زبیری حبیب

شده و جمع جزمی بر بر این مکتب نیز گفته است و در آن خود بخورید و این را در

وحدی خوبی لب رمی بستم و در حدیث دیگر مقوسست که ایام حقیقت من موردند که

مر بماند ماه دین و خاک سرفی هست که آن مقامات زخم برد و اگر دین و خاک

تربت الحقیقت شفقت انهر در دوی مکت در رحمت دگر منقول است

که عمر کی حرمت و بزرگواری صفت بفرجی که شرف دور است و در حقیقت بزرگواری

که اگر چه در این زمانه که حق و حقیقت را بایست که در میان مردم رواج دهد از طرف

الحمد لله الذي جعلنا منكم أمة واحدة

ای نفوس رکن کثرت امام معصومه حضرت زینب احقرت که فی الزمان

برادران و ششدری شوند و بعضی ریشخندی و عارفان و صوفیان که نزدیکی حضرت علی (ع) را

والمقدور في الشرية والوفاء في الدور والتمتع في الدور والتمتع في الدور

مفتوحه نامی از صاحب محضیت و نام محرم و قلم و کتبی ز فیض و زری و شیا و

به نیت که در آن دامت عمارت و نور و برکت و رحمت و جود و قیام و...

بسم الله الرحمن الرحيم

و بعد از آنکه در آنجا رسیدند و در آنجا رسیدند و در آنجا رسیدند

۱۱۳۱

برای این که

دست نوشته

جمعه در روز یکشنبه

منه خروید

منه و  
السرور

Handwritten signature: *James M. Smith*

بسم الله الرحمن الرحيم

روزگار است

بجہ تمام ہفت روزہ

[illegible]

1990

[illegible]



4

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

1891

[illegible]

مستعمل در مورد ابلهانه بنام خود بر حیزد انوار و در اوست و در جرم و در اندام صبر و

[illegible]





سورۃ البقرہ

دفعه شصت و یکم در شکله باشد و مرید بدو استیلا و حین ساز و آوری در دو

وكتاب دواي دختراي ابد مريد سورة المتاحية دفع بلاها امرت سورة

لیکن بچہ بچہ یعنی کہ دستہ باشد بر مہندہ بخواند اگر کسی را بیرون جت کرد

پیام صفت سلطان بخود در خرد و فک و دلیش در او کرد تا او را

المسألة دوماً :- المعنى ميثم البراءة عدم جرمه ما جرمه

ملقاتی بجم سلف . سات ندم . محمود غزنوی خدمت

الحق باصفي رحمه الله سرور و احسان و حبيب فراخی معینت و روزی

پس آمدن بایات شهرت یافته اند سوز من دیده رفیق خسته زخم سوز من

در ترجمه حضرت مراد - سوره فصلت بوقت خوف از سلطان را - سوره

توالت عرفت خوف از دستن رسیدن بخوابن

[illegible]

وَالْحَاسِبَةُ حُرَّتْ كَانَتْ لَهَا تَبَوُّعَاتُهَا وَتَبَوُّعَاتُهَا

و اما در مورد این که آیا این کتاب در این زمانه که ما در آن هستیم  
باید که در دسترس باشد یا نه؟

الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطاهرين  
الطيبين الطيبين

امریته الریاضة عشر بنویسد و بخندد و غلادها صاحب نصرت شود

سوره الفاتحه در روز جمعه بخواند جمعه را بر او دلدادن و توفیق باشد سوره

مریم و متعلاهی از شک عیش ابد مریم و اگر بر عیش نویسد و بوقصد

چندین مرتبه بخواند و اگر بر چیزی نویسد و بشوید و بگوید دهم

بگذارد و نشتر بر او باشد بکشد سوره ص حه حنه نصره بر دشمن و کشا

دفع ابر مریم سوره الانبیاء حنه دفع دشمن و باطل محرم بر مریم سوره

الحج بر وقت نشستن در کشتی را امر میخواند از غرق این باشد سوره التین

چیز دفع دهنی از ابر مریم سوره النور حنه دفع دشمن را مریم بخواند

سوره الفرقان حنه زول دشمن را مریم سوره الشرح حنه دفع بد و برده

دشمن مریم بخواند و بر بنویسد بر گردن او بخواند سوره القدر حنه

سار و وقت فوق العالی را مریم سوره القصص حنه سلامت امانت غایب

بر ابر مریم بخواند سوره العنکبوت حنه دفع دشمن و زبانتاریخ خواند

بر مریم و اگر بکلام بنویسد و بشوید و بخواند سوره التین

چیز دفع دشمن را امر میخواند سوره رعد بنویسد و در شیشه سفید و ششم

چیز دفع دشمن را امر میخواند سوره رعد بنویسد و در شیشه سفید و ششم

چندین مرتبه بخواند  
و اگر بر چیزی نویسد  
و بشوید و بگوید  
دهم بگذارد و نشتر  
بر او باشد بکشد  
سوره ص حه حنه  
نصره بر دشمن و کشا  
دفع ابر مریم  
سوره الانبیاء  
حنه دفع دشمن  
و باطل محرم  
بر مریم سوره  
الحج بر وقت  
نشستن در کشتی  
را امر میخواند  
از غرق این  
باشد سوره  
التین چیز دفع  
دهنی از ابر  
مریم سوره  
النور حنه  
دفع دشمن را  
مریم بخواند  
سوره الفرقان  
حنه زول دشمن  
را مریم سوره  
الشرح حنه  
دفع بد و برده  
دشمن مریم  
بخواند و بر  
بنویسد بر گردن  
او بخواند  
سوره القدر حنه  
دفع دشمن را  
مریم بخواند  
و زبانتاریخ  
خواند بر مریم  
و اگر بکلام  
بنویسد و بشوید  
و بخواند  
سوره التین  
چیز دفع دشمن  
را امر میخواند  
سوره رعد بنویسد  
و در شیشه سفید  
و ششم



A close-up photograph of a textured, brownish surface, possibly a book cover or endpaper. The surface is heavily worn, showing numerous small dark spots, scratches, and areas of discoloration. The texture appears rough and uneven, with some darker, more saturated brown areas and lighter, more yellowish-brown areas. The lighting is somewhat uneven, highlighting the irregularities of the material.

Handwritten text in Urdu script, likely a signature or a note, appearing on a piece of aged paper.

تندر و درم  
و درم  
و درم  
و درم  
و درم  
و درم  
و درم  
و درم  
و درم  
و درم

تیسرا باب  
وہابیوں کی روایتیں  
حجۃ الوداع

فصل اول در بیان احوال و سیرت  
شوالیه ها در فرقه جمعی

فصل دوم در بیان احوال و سیرت  
نیکو استر و قنادان

فصل سوم در بیان احوال و سیرت  
فرقه های دیگر و غیره

[illegible]

در وقت سجده و رکعت اول و آخر و در هر رکعت یکبار یا بعد از هر رکعت یکبار

دست و دست چپ را بسوی آسمان بکشد و در هر مرتبه بگوید یا ایزد یا ایزد یا ایزد

از خمینی من النار پس در هر مرتبه بگوید یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد

دست راست از زینت بردارد و در دست راست بسوی آسمان بکشد و در هر مرتبه

بگوید یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد

دست راست بسوی آسمان بکشد و در هر مرتبه بگوید یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد

بگوید و صلی الله علی محمد و آله و سلم و یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد

اینکه در سجده و رکعت اول و آخر و در هر رکعت یکبار یا بعد از هر رکعت یکبار

کشد بر روی و جمع نماید بر آیه و در هر مرتبه بگوید یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد

در هر مرتبه بگوید یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد

در وقت رکعت اول و آخر و در هر رکعت یکبار یا بعد از هر رکعت یکبار

بگوید یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد

بگوید یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد

بگوید یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد

بگوید یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد

بگوید یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد

بگوید یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد

بگوید یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد یا ایزد

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

و عودت بقا کند و حقیقت کز ره زرد و بن آیت را حقیقت بران و به پیش رفت کرد

زندگی زجاجة انت جاحد انبرى دفعه نصر بدست مجتهد است از توبه موسى

تخرجتو بهت دیتو اینی اروی سوزت مع کورانی اینی من

شیرینک حارثی و نسل مدقصره ایک سرایت حواریہ بنی جہا ند مور مدد دینا

زود اگر سر بختی و اگر مکنند و در یفتاب ما! بخوبی باز یسد و سوت خواب

وَمِنْ بَابِ الْمَوْتِ إِلَى بَابِ الْحَيَاةِ وَبَابِ الْحَيَاةِ إِلَى بَابِ الْمَوْتِ وَبَابِ الْمَوْتِ إِلَى بَابِ الْحَيَاةِ

المعروف المأثور و ليس المستغرب و هو ان **يأبى** يا ايها الناس ان يقرروا انفسهم

م

لا اله الا انت لا اله الا انت

تاریخ التیمار ابرار و اعیان

فایز	فایز	فایز	فایز	فایز
فایز	فایز	فایز	فایز	فایز

خیر و برکت  
 محمد رسول الله  
 صلی الله علیه و آله  
 و آله  
 و سلم

خداوند در این روز همه بندگان را

تکانه و تزلزل است که در آن زمان رخ می نماید.





۱۰۰

[illegible]





در کوه دیر و در دیر پنجم تفریق کن و در زیر ستان کس و فن را در بی وقت  
از دیر کرد و اگر خواهی که در میان دو کس دشمنی و تفریق چه کنی بیاد  
کنی آب را بر سر دیو چو در یکبار این سوید بر آه خوان به نیت دشمنی و تفریق  
چون تمام کردی گوشت را بر سر می نه بوی که در شکسته شود در میان ایشان  
تفریق شد اگر خواهی که در میان دشمنان جنگ و نزاع اندازیار تمام حیار و  
پاد از خاک مرد بیاغی و یکبار این سوید به نیت دشمنی و تفریق خواند  
چون تمام شود در میان درخت ایشان دفن کنند یا پیش از دفن میان  
ایشان تفریق اندازد و یکبار حیار حوری جو حوت غراوند که و یکبار این سوید بر سر  
به نیت جدی و تفریق بداند بر سرش بپاشد این سوید در میان است مسمی باید  
و در روز چهارشنبه آینه در دست نهاده و در آن روز با آینه در دست و در آن روز  
سبک مانند در در کران بر می آید سبک فرود آید در میان ایشان  
جری اندازد با آب بنویسد در روز یکشنبه در نیت دشمنی و تفریق کن  
بخواب ببرد و در آن شب در آن حالت بماند تا صبح شود و در خواب باشد  
در خواب و در آن حالت بماند تا صبح شود و در خواب باشد  
در خواب و در آن حالت بماند تا صبح شود و در خواب باشد

در کوه دیر و در دیر پنجم تفریق کن و در زیر ستان کس و فن را در بی وقت  
از دیر کرد و اگر خواهی که در میان دو کس دشمنی و تفریق چه کنی بیاد  
کنی آب را بر سر دیو چو در یکبار این سوید بر آه خوان به نیت دشمنی و تفریق  
چون تمام کردی گوشت را بر سر می نه بوی که در شکسته شود در میان ایشان  
تفریق شد اگر خواهی که در میان دشمنان جنگ و نزاع اندازیار تمام حیار و  
پاد از خاک مرد بیاغی و یکبار این سوید به نیت دشمنی و تفریق خواند  
چون تمام شود در میان درخت ایشان دفن کنند یا پیش از دفن میان  
ایشان تفریق اندازد و یکبار حیار حوری جو حوت غراوند که و یکبار این سوید بر سر  
به نیت جدی و تفریق بداند بر سرش بپاشد این سوید در میان است مسمی باید  
و در روز چهارشنبه آینه در دست نهاده و در آن روز با آینه در دست و در آن روز  
سبک مانند در در کران بر می آید سبک فرود آید در میان ایشان  
جری اندازد با آب بنویسد در روز یکشنبه در نیت دشمنی و تفریق کن  
بخواب ببرد و در آن شب در آن حالت بماند تا صبح شود و در خواب باشد  
در خواب و در آن حالت بماند تا صبح شود و در خواب باشد  
در خواب و در آن حالت بماند تا صبح شود و در خواب باشد

[illegible]

و الله وراة اقتديت  
والله يلد مودة خواتم  
والله دارة حلة طر  
والله انفسك ادا  
والله فية ملد انا  
والله اولف وليم انا  
والله الما انا  
والله انا

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

This image shows a blank, aged, cream-colored page, likely an endpaper or flyleaf of a book. The paper has a slightly textured appearance with some minor discoloration and dark smudges or stains, particularly along the right edge and bottom. The binding edge on the left is visible, showing the stitching or glue of the book's spine. There is no text or other markings on the page.

Handwritten text in Arabic script, likely a signature or title, appearing on a yellowed page.

[illegible]

روزگار کند  
در این شب

Handwritten text in Urdu script, likely a signature or a note, appearing as a dark, ink-like mark on the aged paper.

[illegible]



والمزور في  
الكتاب في  
الكتاب في

[illegible][illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
آله الطيبين الطاهرين

مؤمنان بدانند که هر که در این صومرا بر حال نویسد و بیان هر دو  
مؤمن بگذراند و ضمیم زد خود بدین صریق بنویسد شفا یابد این است

د	م	و	ر
ج	و	ح	و
س	خ	ر	ر

بجمله دفع کردند این کلیات را بنویسد و بشوید و آبش بخورد  
شفا یابد و بالحق انزلناه و بالحق نزل حسبی الله نعم اولیاء الله  
علی الذی لا یدخر مع سیرتین فی الارض و لا فی السماء و هو السقیم  
اعلیه دعای و ... در باره ی نورک بنیاد  
از این آیه که در این خصوص است  
حق بخود حدیثی است و ما یبیت النبیان فلا تقور بعد الذکر  
مع القوم الضالین از حبه بنام نور سرخ و سیران بود و چنانچه

در کتاب ...  
بنام ...

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
آله الطيبين الطاهرين  
مؤمنان بدانند که هر که در این صومرا بر حال نویسد و بیان هر دو  
مؤمن بگذراند و ضمیم زد خود بدین صریق بنویسد شفا یابد این است  
بجمله دفع کردند این کلیات را بنویسد و بشوید و آبش بخورد  
شفا یابد و بالحق انزلناه و بالحق نزل حسبی الله نعم اولیاء الله  
علی الذی لا یدخر مع سیرتین فی الارض و لا فی السماء و هو السقیم  
اعلیه دعای و ... در باره ی نورک بنیاد  
از این آیه که در این خصوص است  
حق بخود حدیثی است و ما یبیت النبیان فلا تقور بعد الذکر  
مع القوم الضالین از حبه بنام نور سرخ و سیران بود و چنانچه  
در کتاب ...  
بنام ...







بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

شش زهره عاف زد و شرب کند هفته هفت روز است و سر در زیر این

لو یک سبزه بوق در روز یکم و بوق بوق بوق در روز دوم و الاثنین بوق

بقره یوم الثالث بقره یوم الاثین و بعد از آن یوم الحشو و شش یوم جمعه

بقره یوم السبت بقره یوم الاحد و بعد از آن شش یوم شرب کند

سال و بعد از آن بقره یوم الحشو و بعد از آن شش یوم شرب کند

خشتی شرب و بقره یوم الاحد و بعد از آن شش یوم شرب کند

اینست دعا که بخواند یا اسم کمال در آخر ماه یوم حشر و شرب کند

در آن روز و یکی و پس از آن دعا که است بر سر می شود

دعا که در روز شنبه و در روز شنبه و در روز شنبه

این دعا که در روز شنبه و در روز شنبه و در روز شنبه

در روز شنبه و در روز شنبه و در روز شنبه

در روز شنبه و در روز شنبه و در روز شنبه

در روز شنبه و در روز شنبه و در روز شنبه

در روز شنبه و در روز شنبه و در روز شنبه

در روز شنبه و در روز شنبه و در روز شنبه

در روز شنبه و در روز شنبه و در روز شنبه

و غیر از اینها که در این کتاب مذکور است  
در این کتاب مذکور است که در این کتاب مذکور است

بگویند که در این کتاب مذکور است که در این کتاب مذکور است

قریب به قمر برسد و در این کتاب مذکور است که در این کتاب مذکور است

از بدایه شرح این کتاب مذکور است که در این کتاب مذکور است

و که از این کتاب مذکور است که در این کتاب مذکور است

بدان که در این کتاب مذکور است که در این کتاب مذکور است

فتم مذکور است که در این کتاب مذکور است که در این کتاب مذکور است

بکمال است که در این کتاب مذکور است که در این کتاب مذکور است

و در این کتاب مذکور است که در این کتاب مذکور است

بسیار است که در این کتاب مذکور است که در این کتاب مذکور است

بسیار است که در این کتاب مذکور است که در این کتاب مذکور است

بسیار است که در این کتاب مذکور است که در این کتاب مذکور است

بسیار است که در این کتاب مذکور است که در این کتاب مذکور است

بسیار است که در این کتاب مذکور است که در این کتاب مذکور است

بسیار است که در این کتاب مذکور است که در این کتاب مذکور است

بسیار است که در این کتاب مذکور است که در این کتاب مذکور است

بسیار است که در این کتاب مذکور است که در این کتاب مذکور است

بسیار است که در این کتاب مذکور است که در این کتاب مذکور است





[illegible]

شديد است و اما حجت بر آنست که در بعضی موارد نیز ممکن است که این امر اتفاق افتد

وحدی کریم پور ترمذی شمس الدین دہلوی

ارزاد قند خدیو بهشت اندک

بکرمی در انوشیروان بنیادی در علم الحقیق

نفع دیر در بند قنداق و دست کبریا

تکلیف میزد در این وقت که

اس انما امر لکھو ونددور

والتبليغ بمقتضى الحياة

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اَعْلَمُ بِاَسْمَائِكَ وَاسْمَائِكَ





[illegible]

مستوفی خیر و خیر یا ائمه و حمود و حمید بر حدک یا ائمه و حمید و حمود  
دردی بر خدای کرد و بخت خود و بشر است و در حدک نوشت بر خدای و بر خدای

مردم را در این راه که به سوی خداوند استوار است

و قد كان من علمه في بيته ان يشهد له في كل يوم  
 ٥٥٥٥٥

درخواستی از رضا احمدیان دعا فرمایید یا شریک شریک

بدرجہ اولیٰ و ثانیہ و سہری نمودی ہے

دینارین و سکه های نادره و نایاب

من انوار حجاب و پرستش ولا کبریا بدو متذکر الیقین فطنت

از قلم حضرت مولانا ابوالحسن علی Nadwi رحمه الله تعالى

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

والصلاة والسلام على

سيدنا محمد وآله الطيبين

الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

والصلاة والسلام على

سيدنا محمد وآله الطيبين

الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

والصلاة والسلام على

سيدنا محمد وآله الطيبين

الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين





بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

و بعد از این که در این کتاب  
در بیان احوال و سیرت  
و صفات و مناقب آن بزرگوار  
در حدیث و روایت و کتب معتبره

در بیان احوال و سیرت  
و صفات و مناقب آن بزرگوار  
در حدیث و روایت و کتب معتبره  
در بیان احوال و سیرت  
و صفات و مناقب آن بزرگوار

در بیان احوال و سیرت  
و صفات و مناقب آن بزرگوار  
در حدیث و روایت و کتب معتبره  
در بیان احوال و سیرت  
و صفات و مناقب آن بزرگوار

در بیان احوال و سیرت  
و صفات و مناقب آن بزرگوار  
در حدیث و روایت و کتب معتبره  
در بیان احوال و سیرت  
و صفات و مناقب آن بزرگوار

در بیان احوال و سیرت  
و صفات و مناقب آن بزرگوار  
در حدیث و روایت و کتب معتبره  
در بیان احوال و سیرت  
و صفات و مناقب آن بزرگوار

در بیان احوال و سیرت  
و صفات و مناقب آن بزرگوار  
در حدیث و روایت و کتب معتبره  
در بیان احوال و سیرت  
و صفات و مناقب آن بزرگوار

این دعا را بخواند بنویسد در ریشت زن ببرد آن فرزندان خود را مرد و زن خود را ندیده باشد

二	三	四	五	六	七	八	九	十	十一	十二	十三	十四	十五	十六	十七	十八	十九	二十	二十一	二十二	二十三	二十四	二十五	二十六	二十七	二十八	二十九	三十	三十一	三十二	三十三	三十四	三十五	三十六	三十七	三十八	三十九	四十	四十一	四十二	四十三	四十四	四十五	四十六	四十七	四十八	四十九	五十	五十一	五十二	五十三	五十四	五十五	五十六	五十七	五十八	五十九	六十	六十一	六十二	六十三	六十四	六十五	六十六	六十七	六十八	六十九	七十	七十一	七十二	七十三	七十四	七十五	七十六	七十七	七十八	七十九	八十	八十一	八十二	八十三	八十四	八十五	八十六	八十七	八十八	八十九	九十	九十一	九十二	九十三	九十四	九十五	九十六	九十七	九十八	九十九	一百
---	---	---	---	---	---	---	---	---	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	----

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

چهارمین  
نموده و در بر خیزیم سوزید دملده غایت به بخوند شفت مکرر تمام در غش بر  
ایر خیزیم سوزید زانو در بار و در بر خیزیم آن بر خیزیم آن خفت از مزن است  
هدیایا که آن که هر چه جلد افش از بر خیزیم آن خفت از مزن است  
یکایک بخیزیم و در بر خیزیم آن خفت از مزن است  
کند و در بر خیزیم آن خفت از مزن است  
از بر خیزیم آن خفت از مزن است  
بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين







بدر دین و بند در حقیقت بخیرت و ملزم شد و اگر عمل خود در قضیه بد

تجارت بنظر اید و هر چقدر که در این باب شاد بگردانند و اگر کسی زبان حملت ندارد

دو کورن کور بندند و زید شود و هر کس ور بندد بقرین و دوزخ می

نویست و در میان اینها میزد و بگوشه انداخت و نیز مرد مستعد حضرت وحیدی را در دست

کشتی های بد قرمک دزدانند و بکشید یک درخت دو سینه و بزرگ سینه را بچوبه بزنید

تا زینده باشد غسل کند و در زکوة نیز نگیرد و در هر برکتی الحمد یکبار و خیرات

ان الله اشرك بالانبياء الذين اتينهم ما سئلوا وقل ان الله ارسلنا

وچند زینفرد و دو سحر ابدال و اقامی و انشایه و نعدی و چون نماز کند چو از وقت

سورة الاحقاف و عتقت بزمور و نیر خواند و بعد از آن مدح و ثناء و حمد و تمجید

در این روز مردم را می دهند دست آید و بر دوش مردم را نشاند و

و انچه در این کتاب مذکور است به نیت بیعت و در هر دو کتابی که در این کتاب مذکور است

[illegible]











Handwritten marginal notes in Persian script, likely commentary or additional text related to the main content.

Handwritten text in Persian script, organized into approximately 12 horizontal lines. The script is cursive and appears to be a form of historical Persian or Urdu.







ور بنویسد بوزن دست برت من شد و درون شود و خواب سیرایم بخواند

دو ده بیوی بر من زدند و در سینه بدید و در این خورد و دقیقه و استوف

از یک دردت بنویسد در ری کشد در دزد در حیا در میان آب و جدی

و کما یسم الله الرحمن الرحیم قُلْ لَّيْسَ بِي نَذِيرٌ كَمَا بَيَّنَّ الْخَبَرُ

و كَمَا بَيَّنَّ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ وَبَيْنَ بَعْضِ الْبَيْنِ مَا نَعَدُ وَنَقُصُّ

يَوْمَ الْيَقِينِ وعد و ن بجمله و دانیدن از شش چند

نمودند بداند که مرثی بسیار مثل بشیر از دین و

نیاز و هر چه صفت باشد در میان غرض صفتی

و بی بی برباید و در وقت نماز بگذرد و در

تلاوت یس را حمد و سوره غلام مدبر بخواند بعد از اقامه دعوت خود و در

تعالی بخواند که در سوره و زحمه که گفتند بخت دشمن بجز بخت است و کسی خوفند

بخت دشمن گشاده شود پندار بر بخت خود و بخواند و بگوید و در وقت

دست انداختن بخواند یا رب متعفف و در وقت خواب بخواند یا رب

و در وقت خواب بخواند یا رب متعفف و در وقت خواب بخواند یا رب



...بیشتر از آنکه در این کتاب بسیار مجرب است اللهم رب اعف عنی و عن کل مسلم

مفتی ریاست مشرق افغان سائیکس کسی موجود که حاضر دور بکند بنام دزد

بهرد و معلوم سازد که شایسته کیست بیارد عاقل مبی و در روز طاس شود

ن من آب بخورید و بدندان مورد آفت زخمید بنویسید و بعد از آن آب لیمو را به

بشرون بنومید و نبدان ان شیوه منجس آراک مفد و دایه استونی و فوق امیا

لَمْ يَأْذَنْهُ مَعَاوِثَ هَبَارِثَ الشَّامِ بِمَنْ تَقْدِيرُهُ مُوسَى وَخَلِيلُ عِيسَى وَزَيْنُ

الادوات ابراهيم ونردان ميرزا السعفي وفوق فسكنه كرم الله وجهه

سم لا اله الا انت الحق جليل ومجيد وسرميل وخرز يلدخ ايمم وديني الله

وایست درین شکل درازند و در میان آن یک دایره است و مریت اجیسودی شده

الجزيرة حرة مائة وبعش على شرف المشارق الشارقة امس في





بناشد چو در او شود هر که مورد گه بر او بویسد و بشوید و بدو  
دعای در خانه مانده باشد به زیر سر میزدند و در بدو میزدند و میزدند

مفوت است در کفهی که هر که بویسد سوره اعراف را در وقت خواب بویسد  
در راه حشر اندر در وقت خواب بویسد و در وقت خواب بویسد

کود غریب در خانه مانده باشد سوره در بر او بویسد و بشوید و بدو  
شکل اند بنده زبک و شوم بید شود و اگر یک محمد رسد تا حق شود

از گشتا بویسد به شربت بر جبهه زنی این شوم بر باشد شومری جوید و بویسد  
در دهنی شاد و ساکن بکم یا نزد هم بیت و یکم در شرق دوم و زده بیت و دوم بیا

شربت چندان چندان بیت و چندان بیت و چندان بیت و چندان بیت  
در غربی شربت شربت بیت و شربت بیت و شربت بیت و شربت بیت

در شمال شربت بیت و شربت بیت و شربت بیت و شربت بیت  
در جنوب شربت بیت و شربت بیت و شربت بیت و شربت بیت

در شرق شربت بیت و شربت بیت و شربت بیت و شربت بیت  
در غرب شربت بیت و شربت بیت و شربت بیت و شربت بیت

در شمال شربت بیت و شربت بیت و شربت بیت و شربت بیت  
در جنوب شربت بیت و شربت بیت و شربت بیت و شربت بیت

در شرق شربت بیت و شربت بیت و شربت بیت و شربت بیت  
در غرب شربت بیت و شربت بیت و شربت بیت و شربت بیت

وحرر جاسوسان و غلامان و برده ها را آزاد کرد و به رستگاری رسانید

بر غم من و در روزی که در بند بودم و در زندان بودم و در محبوسان بودم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِذَلِكَ نَبِّئُكَ مَا هِيَ الدِّينَةُ الَّتِي كُنْتَ فِيهَا

وَلَقَدْ رَفَعْنَا إِلَيْكَ ذِكْرًا مِنْ أَنْبَاءِ الَّذِينَ كُنَّا نُنَبِّئُكَ عَنْهُمْ أَنْهُمْ

دَعَاكَ إِلَهُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأَئِكَةُ اسْمُوا لِلَّهِ اسْمًا وَاحِدًا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْمُوا لِلَّهِ اسْمًا وَاحِدًا وَاسْمُوا لِلَّهِ اسْمًا وَاحِدًا

وَلَقَدْ رَفَعْنَا إِلَيْكَ ذِكْرًا مِنْ أَنْبَاءِ الَّذِينَ كُنَّا نُنَبِّئُكَ عَنْهُمْ أَنْهُمْ

دَعَاكَ إِلَهُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأَئِكَةُ اسْمُوا لِلَّهِ اسْمًا وَاحِدًا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْمُوا لِلَّهِ اسْمًا وَاحِدًا وَاسْمُوا لِلَّهِ اسْمًا وَاحِدًا

وَلَقَدْ رَفَعْنَا إِلَيْكَ ذِكْرًا مِنْ أَنْبَاءِ الَّذِينَ كُنَّا نُنَبِّئُكَ عَنْهُمْ أَنْهُمْ

دَعَاكَ إِلَهُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأَئِكَةُ اسْمُوا لِلَّهِ اسْمًا وَاحِدًا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْمُوا لِلَّهِ اسْمًا وَاحِدًا وَاسْمُوا لِلَّهِ اسْمًا وَاحِدًا

وَلَقَدْ رَفَعْنَا إِلَيْكَ ذِكْرًا مِنْ أَنْبَاءِ الَّذِينَ كُنَّا نُنَبِّئُكَ عَنْهُمْ أَنْهُمْ

دَعَاكَ إِلَهُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأَئِكَةُ اسْمُوا لِلَّهِ اسْمًا وَاحِدًا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْمُوا لِلَّهِ اسْمًا وَاحِدًا وَاسْمُوا لِلَّهِ اسْمًا وَاحِدًا

وَلَقَدْ رَفَعْنَا إِلَيْكَ ذِكْرًا مِنْ أَنْبَاءِ الَّذِينَ كُنَّا نُنَبِّئُكَ عَنْهُمْ أَنْهُمْ

دَعَاكَ إِلَهُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأَئِكَةُ اسْمُوا لِلَّهِ اسْمًا وَاحِدًا











خایه کر به سیاه در زیر وی رود کند نیک شود اگر نشین بر چشم او بماند  
باشد بلویند بیندند ستغایاید هر که نه در گفتار در چشم کشد در تن آورد  
هر که در یک جای نشیند باشد جوید بشارت نیک داند ای که بر جای  
سویختن باشد ستغایاید اگر ماه در دو لایق مرغ پیدا شود بر او میسوزند  
دیوانه بلویند اگر کسی در محبت استعدا آورد باشد هر صباح بایستد که در  
صلایه کرده باشد شتر بخورد بر طرف شود و دیگر اگر کسی استغایانده  
رود بید بخورد در محبت بر زن شود به آن تخم ترب و کشتن و قفل بخورند  
چنانکه حل شود و بشد بام بقد تا ماه تاب و ساره بر وی بتابد و بعد از آن بخورد  
مرد بستمده سال دهد بکشد اگر نه در زانغ یلوار در وی و انداخته توانوی  
بترشد هر که در زانغ سیاه و در بین چاه مهر کز روی او شنید بکشد به دست  
الدیر که بواسیر دفع کند پنج کرمش و تخم و قاقی و کوهی شتر بر بخورد و  
اما بواسیر بر ببرد اگر کسی بخندد و خند کند و بسیار و بیخوشی دختر بخند  
المنطقه بدو در میان است او را جزا شود و سه سال بعد دختری ندارد مغر



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَوَدَّعَيْنَا دَاوُودَ نَحْلِيلَهُ وَعَلَى رَجُلٍ مِمَّنْ يَتَّقُونَ

وشرح محمد والحسين صلوات الله عليهم اجمعين باب اذات قوليني السيرة ودود

کوستای امید و قویست قویست امید بود علم یزد با شنبه با علیهم السلام و الله اعزین

مجلسه اوله

[illegible]

عاش ووطن بر مردم ایود مشرد بند دایم ست بسم الله الرحمن الرحيم الله اكبر

تاریخ تقویم باب هجدهم در بیان روشنگری و روشن شدن این کتاب

راوند زرد زیاده شود این است بسم الله الرحمن الرحيم لا اله الا هو افریقا

الدين عند الله الاسلام لا اله الا الله لا شريك له المعظام وموفق عتيد والله يعي باحي

يَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَيُؤْتِيهِ الْوَيْلَ وَالْخُشْيَةَ وَالْمُنَاسِكَاتُ وَالْحُقُقُ

فلا سفید و زرد بذر و تخم غریب خالص زود میباشد بالمدیران زود

وَقَدْ دُونَُوا هَؤُلَاءِ أَهْلَ الْبَيْتِ بِمِثْلِ مَا تَدْعُونَ لَهُمْ



فوق السطح المذكور  
الذي هو السطح المذكور

[illegible]

من وای بد که همه غم خود کرده و شکسته بشود و بدبختی و بدبختی

میرزا علی محمد خان قزوینی

از و به شش باد در این بیت گفته بسیار خوش دوست دارد بر یقین و در

الحمد لله الذي جعل في كل شيء دليلا على قدرته وقوته  
ويعلم ان الله تعالى قد علم ان كل شيء لا يخلو من قدرته وقوته

در وقت بروز آمدن از دروازه بیرون می‌رفتند و به سوی کوه می‌رفتند و در آنجا که کوه را می‌دیدند و در آنجا که کوه را می‌دیدند

بخدمت و در بیان این امر به فریدالدین خاکی خود می نویسد که



و علی بن ابی طالب و جعفر بن محمد و حسن بن علی  
و حسین بن علی و علی بن ابراهیم و علی بن حماد  
و علی بن محمد و علی بن یونس و علی بن زید

بمذی صریح و صریح ریش و بخت بستم و بدیدم که خوشبختی است و بدیدم که بدبختی است

بازار نمود در نزد دولت با شاهی و در بازار بفرستید و بپوشید و در نزد دولت بفرستید

و راجع بہت برز و صبر کن کہ از دیرینہ ہنرمند ہستی ہندو دھرم کی شہرتی ملت

[illegible]

برای بنای دوست و سعادت یاری بر تو توبه متذکر می باشم

مستور بالو و زویری نزدی متناهی

[illegible]

دری حقیقت که در این کتاب آمده است و در این کتاب آمده است

از این کتاب در مورد تاریخ و جغرافیه و...

[illegible]

در این بیت است که در این بیت بر سر دوزخ و در میان دوزخ

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
آله الطيبين الطاهرين  
الذين هم الصالحين  
الذين هم الصالحين  
الذين هم الصالحين

بیای معاف خوشتر و لذت بخش تر بود و بدین واسطه حاصل در حد و در حال بودی  
و باید که می باشد و در حد و در حال بود و بدین واسطه حاصل در حد و در حال بودی

بیشتر از حد و در حد و در حال بود و بدین واسطه حاصل در حد و در حال بودی  
بیشتر از حد و در حد و در حال بود و بدین واسطه حاصل در حد و در حال بودی

بیشتر از حد و در حد و در حال بود و بدین واسطه حاصل در حد و در حال بودی  
بیشتر از حد و در حد و در حال بود و بدین واسطه حاصل در حد و در حال بودی

بیشتر از حد و در حد و در حال بود و بدین واسطه حاصل در حد و در حال بودی  
بیشتر از حد و در حد و در حال بود و بدین واسطه حاصل در حد و در حال بودی

بیشتر از حد و در حد و در حال بود و بدین واسطه حاصل در حد و در حال بودی  
بیشتر از حد و در حد و در حال بود و بدین واسطه حاصل در حد و در حال بودی

بیشتر از حد و در حد و در حال بود و بدین واسطه حاصل در حد و در حال بودی  
بیشتر از حد و در حد و در حال بود و بدین واسطه حاصل در حد و در حال بودی

بیشتر از حد و در حد و در حال بود و بدین واسطه حاصل در حد و در حال بودی  
بیشتر از حد و در حد و در حال بود و بدین واسطه حاصل در حد و در حال بودی

بیشتر از حد و در حد و در حال بود و بدین واسطه حاصل در حد و در حال بودی  
بیشتر از حد و در حد و در حال بود و بدین واسطه حاصل در حد و در حال بودی

بیشتر از حد و در حد و در حال بود و بدین واسطه حاصل در حد و در حال بودی  
بیشتر از حد و در حد و در حال بود و بدین واسطه حاصل در حد و در حال بودی









لا بهرین صفت کز عشق و دیو نرسد هر یک است چونند و در یاد

بدرسد است با خود در به از حقیقت می شود و غریب شود و کسی را غریب و

خسرو با خود در راه انصاف اندوخته بود و آن شد که در حیره

سرمد و بنانید و در حقیقت کشید خیریه و در میند و شوق و در وقت کشید

بسم الله الرحمن الرحيم

و یمنه و در خوشی نه بداد و در بدی نماند چنانچه در دسترس بود

و در سری دزد سرکسی خوشتر که هرگز در این شهر نیامده بود و در این شهر

در نشود و نه خیل یلدد بدد مهرند و نخوردند و بومرید و بدستند

مکنان برین میگویند و شریک بد و شرک است هر مقدار خوب بود در دست

و انسترتب بدو غلامان را و از آن دو مردی را که در آن روز در آنجا بود



[illegible]

1031



زنی و بنی طیبان گفته اند که بوقت انزال مایه باید که مردم میل بجانب راست کند  
 تا مایه بجانب راست ذوق و لذت شود و تناسل بسیار باشد و بنی گفته اند که چون کسی  
 از جماع قانع شود و قضیب را بآب گرم بشوید و زن بنی فرج را بشوید آنگاه اگر خوا  
 هر جماع بودند و باز چنین کند و این معنی حقیقت است و جهت سفارش برده در مایه  
 و خجل و سست هر کس را که نشیمن پیدا کند باید که کدو را یک بند تا نرم شود پس معقد  
 بخانه و بجای گذارند و شفا باید ایضا که خان شتر با مالک از دق در دست اندازد و یک  
 انتقال بخورد و شفا باید هر که را شفا با روغن خوشنشانده بخورد و بنی دهند که حیض  
 بسته باشد البته که حیض بکشد اگر را شفا بگوید با عمل حل کند هر روز یک انتقال  
 بخورد در یک مشت آنرا ببرد و سردی را دفع کند اگر کولاش بسیار خورد خوابهای آشفتنه  
 بسیار بیند و شست را بسیار ببرد اگر زنی را شفا بسیار خورد کدو از شکم بگذارد  
 و در سردی و در نیمه سردی هر که بخشد بسیار ببرد و بخورد خواب خوش آید و  
 مغز را قوی کند و در سردی شفا بخشد و چشم را بگوید اگر مردی را شفا بگوید و  
 شفا بگوید خواب بسیار کند و هر که آب کرفس و نو شاد سر غرقه کند او آن گفته را  
 بکشد و هر که سر که خورد و در سردی را بگوید و هر که را





بطور کامله بگذرد و بر شکم حفظه بگذرد هر چه از او بپوشی در خواب جواب گوید اگر  
 تخم کاسنی بگویند و بر پیشانی مالند آدم خواب خوش کند و اگر زهره بر دندان براند  
 مالند ببرد و سیاه کند اگر قیض چهار بیون اند و باد و غن زیت بر روی مالند روی  
 زنان دلف شود اگر زهره ادبی را خشک کند و خورد بگویند و در چشم کشند  
 سفیدی را ببرد و هر که مکی را در روغن بچشانند و در روی سر بمالند مری  
 زده سیاه کند و پیشانی بر طرف کند و هر که آینه الکیمی را بنویسد و بقال آید  
 و در میان دلت بگذرد هر که کرم و خوره پیدا نشود و هر که پوست نان یا لاله  
 بگذرد مریض بچوشاند و در سایه خشک کند و ببالند در رفع خود بگذرد ببالند  
 خرب تر شود و بپوشد او را بامرد مباشرت کند و تمام بپاید که از خفا برآید  
 بپوشد باشد بپوشد بپوشد بپوشد بپوشد بپوشد بپوشد بپوشد بپوشد  
 و جماع کند و بپوشد بپوشد بپوشد بپوشد بپوشد بپوشد بپوشد بپوشد  
 نامی بر مراد بپوشد بپوشد بپوشد بپوشد بپوشد بپوشد بپوشد بپوشد  
 بپوشد بپوشد بپوشد بپوشد بپوشد بپوشد بپوشد بپوشد







سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران